



راهکارهای افزایش ازدواج و گسترش فرهنگ ازدواج آسان با تأکید بر رویکرد اسلامی

محمد رضا شرفی *

محمد شریف طاهرپور **

چکیده:

زوجیت بنیادی است که خلقت الهی مبتنی بر آن است و قانونی است عمومی که گستره هستی را در بر گرفته است. آنچه در خلقت انسان اصالت دارد زوجیت است نه مجرد و تنها زیستن، بر همین اساس دین مبین اسلام بر ازدواج به عنوان یک اصل که از زوجیت به عنوان مبنایی هستی شناسانه منتج می‌شود؛ تأکید کرده است.

ازدواج به عنوان یک امر ارزشی؛ دارای جایگاه اساسی در اخلاق جنسی است و به عنوان یک سنت دیرپای حسنه در کلام الهی، به وجود آورنده مطمئن‌ترین و آرام بخش‌ترین رابطه‌ها و آغازگر زندگی همراه با طراوت، مودت و ایثار است. از سوی دیگر؛ ازدواج به عنوان یک امر مقدس و به عنوان یکی از اساسی‌ترین راهکارهای ارضاء غریزه جنسی می‌تواند در رأس ارزش‌ها قرار گیرد؛ زیرا عفت، پاکدامنی، خویشستن داری و به طور کلی سلامت جنسی جامعه جز در بستر ازدواج مناسب و صحیح امکان پذیر نیست. اما امروزه این امر مقدس و حیاتی تحت الشعاع مسائل دیگری قرار گرفته است، و با رشد اندیشه‌های اومانیستی و انسان‌گرایانه و مبنا قرار گرفتن خواست و اراده انسان به جای خواست خداوند در امر ارزش گذاری، این نیاز فطری بشر در حصار از قواعد سخت؛ محبوس و زندانی شده تا آنجا که جوانان برای گریز از این قواعد؛ به ارضاء غریزه جنسی در خارج از چارچوب ازدواج اقدام می‌کنند و بدین وسیله نهاد خانواده را متزلزل می‌کنند و سلامت اخلاقی و آرامش روانی جامعه را به خطر می‌اندازند.

بر این اساس؛ مقاله مذکور با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی موانع موجود برای ازدواج و ارائه راهکارهای افزایش ازدواج و گسترش فرهنگ ازدواج آسان پرداخته است.

نتایج این تحقیق بیانگر آن است که عوامل فرهنگی از قبیل گسترش اخلاق نوین جنسی، گسترش

* دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران E-mail: msharafi@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران E-mail: m.s.taherpour@gmail.com

فرهنگ تکاثر و تفاخر، عوامل اجتماعی همچون تحول خانواده از شکل گسترده به هسته‌ای، رشد شهرنشینی، افزایش روابط آزاد بین دختر و پسر؛ عوامل فردی چون نیاز به کسب تخصص، تغییر معیارهای ازدواج، عوامل اقتصادی چون بیکاری، هزینه‌های بالای زندگی و صورت معامله به خود گرفتن ازدواج مانع افزایش ازدواج و گسترش فرهنگ آسان ازدواج شده است. بر این اساس راهکارهایی در چهار محور فرهنگی، اجتماعی، فردی و اقتصادی برای آسان سازی ازدواج و به تبع آن افزایش ازدواج ارائه شده است.

کلید واژگان: غریزه جنسی، ازدواج، موانع، راهکارها

مقدمه:

تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، علمی و ایدئولوژیکی (برابری، آزادی، مطرح شدن فردیت) در پی وقوع انقلاب صنعتی و شکل گیری مدرنیته در غرب؛ تحولات اساسی را در سراسر جهان به وجود آورد. وقوع مدرنیته و تحت تأثیر آن، فرایند مدرنیزه شدن کشورهای جهان سوم از جمله ایران، نهادهای اجتماعی همچون خانواده را تحت تأثیر قرار داد و باعث شد خانواده گسترده دوران کشاورزی به خانواده هسته‌ای تغییر شکل دهد. بر این اساس ازدواج نیز به عنوان مبنای تشکیل خانواده دچار تغییر و تحول شد و اموری همچون توجه به علائق فردی در انتخاب همسر، رشد همسرگزینی آزاد، تأخیر در سن ازدواج، کاهش عمومیت ازدواج، مطرح شدن اخلاق جنسی نوین، گسترش روابط آزاد بین دختر و پسر، بالارفتن میزان مجرد قطعی و ... در این زمینه

به وجود آمد. از سوی دیگر با توجه به نقشی که ازدواج در تنظیم قانونی روابط جنسی و جلوگیری از فساد و نابهنجاری های اجتماعی دارد و همچنین ارزش والایی که دین اسلام به این امر مقدس داده است، شیوع چنین روندی با توجه به رویکرد اسلام به غریزه جنسی مطلوب نیست، بنابراین ضروری است که در این زمینه به شناسایی عواملی که باعث کاهش گرایش به ازدواج شده پرداخته شود و همچنین راهکارهای افزایش ازدواج و گسترش فرهنگ ازدواج آسان نیز مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس؛ در این مقاله ابتدا به بررسی اهمیت غریزه جنسی در زندگی انسان، رویکردهای مختلف در ارضاء غریزه جنسی، نقد و انتقاد دو رویکرد مبتنی بر رهبانیت و ارضاء آزاد تمایلات جنسی، اتخاذ رویکرد اسلامی به عنوان مبنای کار و در نهایت به بررسی موانع و راهکارها پرداخته شده است.

اهمیت غریزه جنسی در زندگی انسان غریزه جنسی یکی از غرایز بسیار مهم در وجود آدمی است و نقش مهمی در تکوین، شکل گیری، تکامل شخصیت و سعادت انسان دارد و اعمال، گفتار و کردار آدمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل است که از آن به عنوان "فرمانروای گمنام افراد و ملل یاد می‌شود" (کارل، ترجمه پرویز دبیری، بی تا: ۶۰)، و فروید نیز در باره اهمیت آن می گوید "غریزه جنسی یکی از بزرگترین غرایز انسانی است. همین غریزه است که بر هر فردی مسلط است و در جریان زندگی نقش اصلی را ایفا می نماید و امراض عصبی نتیجه واپس زدن همین غریزه است" (جونز، ترجمه

رضی، ۱۳۴۲: ۱۱۹-۱۱۸). البته به نقد این دیدگاه در صفحات بعد می‌پردازیم.

در متون دینی نیز بر نیرومند بودن غریزه جنسی اشاره شده است، در این رابطه خداوند در سوره نساء؛ آیه ۲۸ می فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»: خدا می‌خواهد (با احکام مربوط به ازدواج با کنیزان و مانند آن) کار را بر شما سبک کند؛ و انسان، ضعیف آفریده شده؛ (و در برابر طوفان غرایز، مقاومت او کم است). بر این اساس یکی از حیطه‌هایی که توانایی انسان در بروز و ظهور آن بر اساس موازین الهی دچار ضعف می‌شود، حیطه جنسی است. اما لازم به ذکر است ضعف انسان در مقابل خواسته های جنسی در همه انسان ها یکسان نیست؛ اگر چه به طور کل همه انسان ها در مقابل خواسته های جنسی از خود ضعف نشان می‌دهند و در صورت محرومیت جنسی؛ ممکن است از مسیر الهی خارج شوند، اما شدت و قوت غریزه جنسی یا ضعف آن از لحاظ ژنتیکی، محیط تحریک آمیز یا بدون تحریک، تزکیه نفس و تقویت جنبه عقلانی، افتادن در مسیر اعتدال یا عدم اعتدال؛ بر میزان ضعف انسان در مقابل نیازهای جنسی تأثیر خواهد گذاشت.

پیامدهای ضعف در اخلاق جنسی اسلامی

قائل بودن به ضعف انسان در مقابل نیازهای اساسی و پایه‌ای یا به اصطلاح نیازهای اولیه از جمله نیاز جنسی پیامدهایی را در اخلاق جنسی اسلامی در بر دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- برداشتن حکم حرمت مباشرت با زنان در شب های ماه رمضان؛ خداوند

در سوره بقره آیه ۱۸۷ حکم حرمت مباشرت در شب های رمضان را بر می دارد زیرا عدهای با نافرمانی؛ خود را در ورطه گناه افکنده بودند. همچنانکه در این زمینه در کلام الهی بیان شده است: «أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةُ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ...» آمیزش جنسی با همسرانتان، در شب روزهایی که روزه می گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). خداوند می دانست که شما به خود خیانت می کردید؛ (و این کار ممنوع را انجام می دادید؛ ...)

ب- ازدواج با زنان برده: خداوند بر اساس ضعف انسان در حیطة جنسی در سوره نساء؛ آیه ۲۵ کسانی که فاقد توانایی مالی برای ازدواج با زنان آزاد و از لحاظ جنسی در فشار هستند را به ازدواج با زنان برده دعوت می کند: «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَاَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أَحْضَنْتُمْ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» و آنها که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن باایمان را ندارند، می توانند با زنان پاکدامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند - خدا به ایمان شما آگاه تر است؛ و همگی اعضای یک پیکرید- آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدهید؛ به شرط آنکه

پاکدامن باشند، نه بطور آشکار مرتکب زنا شوند، و نه دوست پنهانی بگیرند. در صورتی که محصنه باشند و مرتکب عمل منافی عفت شوند، نصف مجازات زنان آزاد را خواهند داشت. این (اجازه ازدواج با کنیزان) برای کسانی از شماس است که بترسند (از نظر غریزه جنسی) به زحمت بیافتند؛ و (با این حال نیز) خودداری (از ازدواج با آنان) برای شما بهتر است. و خداوند، آمرزنده و مهربان است.

غریزه جنسی یکی از غرایز بسیار مهم در وجود آدمی است و نقش مهمی در تکوین، شکل گیری، تکامل شخصیت و سعادت انسان دارد و اعمال، گفتار و کردار آدمی را تحت تأثیر قرار می دهد

ج- ازدواج موقت: همچنانکه در سوره نساء؛ آیه ۲۴ بیان شده است: «... فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِن بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا»؛ و زنانی را که متعه [ازدواج موقت] می کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده اید. خداوند، دانا و حکیم است. در تفسیر نمونه در تفسیر

این قسمت از این آیه آمده است که " اصل تشریح ازدواج موقت قبل از نزول این آیه برای مسلمانان مسلم بوده که در این آیه بر پرداخت مهر آنها توصیه می کند" (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۶، ج ۳: ۳۲۵).

دلایل تخفیف حکم

خداوند دلایل تخفیف حکم در احکام مربوط به غریزه جنسی همچون برداشتن حرمت مباشرت با زنان در ماه مبارک رمضان، ازدواج با زنان برده و ازدواج موقت که به توضیح آنها پرداختیم را در آیات ۲۶، ۲۷ و ۲۸ سوره نساء بیان کرده است، که به بیان آن می پردازیم:

الف- هدایت به سنت صحیح پیشینیان: در این رابطه؛ خداوند در آیه ۲۶ می فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ خداوند می خواهد (با این دستورها، راههای خوشبختی و سعادت را) برای شما آشکار سازد، و به سنت های (صحیح) پیشینیان رهبری کند. و خداوند دانا و حکیم است. علامه طباطبایی در توضیح قسمت آخر آیه: «وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» بیان می دارد که توبه عبارت است از "رجوع خدای تعالی به بنده خود به نعمت و رحمتش، به اینکه برایش شریعت تشریح کند، و حقیقت را بیان نماید و به سوی طریق استقامت، هدایتش فرماید، همه اینها از خدای تعالی توبه است، همچنان که قبول توبه بنده گناه کار و از بین بردن آثار گناهان او نیز توبه است" (علامه طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۳۳).

ب- پاک کردن از آلودگی: در این رابطه؛ خداوند در آیه ۲۷ می فرماید:

«وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا»
: خدا می‌خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک نماید)، اما آنها که پیرو شهواتند، می‌خواهند شما به کلی منحرف شوید. مراد از میل عظیم در این آیه شکستن حدود الهی است؛ یعنی ارتکاب به زنا و یا برقرار کردن رابطه جنسی با افرادی که به طور نسبی و سببی ازدواج با آنها حرام است.

ج- سهل گرفتن بر انسان: در این رابطه؛ خداوند در سوره نساء؛ آیه ۲۸ می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»: خدا می‌خواهد (با احکام مربوط به ازدواج با کنیزان و مانند آن) کار را بر شما سبک کند؛ و انسان، ضعیف آفریده شده؛ (و در برابر طوفان غرایز، مقاومت او کم است). طباطبایی در باب ضعیف بودن انسان بیان می‌دارد "که خدای سبحان در انسان قوای شهویه را ترکیب کرده، قوایی که دائماً بر سر متعلقات خود با انسان ستیزه می‌کند و وادارش می‌سازد به اینکه آن تخلفات را مرتکب شود، خدای عزوجل بر او منت نهاد و شهواتی را بر او حلال کرد، تا به این وسیله شهوتش را بشکند، نکاح را به مقداری که غائله عسر و حرج او را برطرف سازد تجویز کرده فرمود: «و احل لكم ما وراء ذلكم» (نساء آیه ۲۴)، و این ماوراء عبارت است از همان دو طریق ازدواج، و خریدن کنیز، و نیز به این وسیله آنان را به سوی سنن اقوامی که قبل از ایشان بودند هدایت فرمود، و تخفیف بیشتری به آنها داد و آن این است که نکاح موقت - متعه - را هم برایشان تجویز و تشریح کرد چون با تجویز متعه دیگر دشواری های نکاح دائم و مشقت لوازم آن یعنی صداق و نفقه و غیره را ندارند" (همان منبع: ۴۳۴-۴۳۳).

رویکردهای مختلف در ارضاء غریزه جنسی

با توجه به اهمیتی که غریزه جنسی در زندگی انسان دارد؛ در طول تاریخ رویکردهای متفاوتی نسبت به این غریزه اتخاذ شده است، که این رویکردها به ویژه رویکرد مبتنی بر آزادی روابط جنسی در جوامع مختلف با توجه به گسترش فرهنگ لیبرالیستی در جهان و انقلاب ارتباطاتی در حال گسترش است، که باعث ایجاد مفاسد اخلاقی و نابهنجاری های اجتماعی، منزلزل شدن بنیان خانواده، کاهش ازدواج، از بین رفتن منزلت و شخصیت زنان، ایجاد مفاسد اخلاقی و .. شده است. بنابراین ضروری است که به بیان رویکردهای مختلف نسبت به غریزه جنسی بپردازیم و بر اساس آموزه های اسلامی به نقد و بررسی آنها بپردازیم و در کنار آنها رویکرد اسلام را نیز نسبت به این امر بیان کنیم.

در این رابطه می‌توان از سه رویکرد اصلی به شرح زیر سخن گفت:

الف- رویکرد مبتنی بر رهبانیت: اخلاق مبتنی بر رهبانیت که از آن تحت عنوان اخلاق جنسی کهن نیز یاد می‌شود، ریشه در برخی آیین‌ها و مکاتب در اعصار گذشته دارد. از جمله این آیین‌ها و مکاتب می‌توان به آیین برهمنی (۸ تا ۹ ق. م) (Brahmanism)، آیین جایی (۶ ق. م) (Jainism) و آیین بودایی (۶ ق. م) (Buddhism) در هند؛ آیین تائوئیسم (Taoism) در چین؛ آیین مانی (۲۴۰ م) (Mani) در ایران باستان؛ سنی‌سیسم (Cynicism) یا کلیون در یونان؛ اسنیه (۲ ق. م) (Esniah) در میان یهودیان و مسیحیت در میان پیروان مسیح، اشاره کرد.

پایه و بنیان همه این آیین‌ها در اخلاق جنسی مبتنی بر پلییدی غریزه جنسی، ریاضت طلبی و رهبانیت، دوری از ازدواج و تشکیل خانواده، طرد تمتعات و لذائذ دنیوی و تحریم آگاهی‌های جنسی است.

عوامل مؤثر در پیدایش رهبانیت
رواج رهبانیت یا اخلاق جنسی کهن مبتنی بر عواملی است که به شرح زیر عبارتند از:

۱- وصول به حقیقت انسان از ابتدای خلقت، عطش روحی خاصی نسبت به کشف حقیقت داشته است، و در این راه از هیچ تلاش و کوششی دریغ نکرده است. از پناه بردن به دامن اسطوره‌ها، مذهب، فلسفه و علم تا کثرت‌گرایی و نسبی‌گرایی در دوران اخیر. حال اگر این عطش روحی انسان با این عقیده آمیخته گردد که کشف حقیقت برای روح آنگاه حاصل می‌شود که تمایلات بدنی و جسمانی مورد تحقیر، سرکوب و مخالفت واقع شوند، قطعاً منجر به ریاضت و رهبانیت می‌گردد. در این باره استاد مطهری می‌گوید: "این اندیشه که وصول به حق جز از راه فناء و نیستی و مخالفت با هوای نفس میسر نیست علت اصلی پدید آمدن ریاضت و رهبانیت است" (مطهری، ۱۳۶۸: ۳۶).

۲- نا امنی اجتماعی در سلسله مراتب نیازهای آبرهام مزلو؛ نیاز به امنیت بعد از نیازهای فیزیولوژیکی و بدنی یکی از مهم‌ترین نیازها است و این نیاز همچون سایر نیازها باید در حداقل مقدار آن به طور نسبی ارضاء گردد. نیاز به امنیت در شئون مختلف وجودی انسان، از جمله شأن اقتصادی، اجتماعی، سیاسی،

اخلاقی و مطرح است. حال اگر در محیط اجتماعی جامعه‌ای که ظلم و ستم و فساد و ناامنی و آشفتگی حاکم باشد و به نحوی سایر نیازهای انسانی (فیزیولوژیکی، ایمنی، منزلت اجتماعی، تعلق خاطر، دوست داشتن و شکوفایی خود) را تحت تأثیر قرار دهد؛ نتیجه‌ای جز محرومیت، ناکامی، شکست، یأس و بدبینی برای مردم و تنفر از زندگی مادی و پناه بردن به ریاضت‌طلبی نخواهد داشت. بنابراین در محیط‌های ناامن و جامعه‌های آشفتگی که وضع اجتماعی طاقت‌فرسای آنها، تحقیر زندگی، عقل و استدلال را ایجاد می‌کند و یا در جامعه‌ای که دنیاپرستی و عیاشی و تجملات زندگی مادی و فساد اخلاق و اختلافات شدید طبقاتی، روح افراد حساب و حاد را از وضع موجود متنفر و به یأس، سلب اعتماد و بدبینی سوق می‌دهد، معمولاً این طرز تفکر در اندیشه‌ها ریشه می‌دواند و عده‌ای برای اینکه در مقابل همه این فشارها و شکنجه‌های روحی و محرومیت‌ها و ناکامی‌های زندگی خارجی آرامش و تسلی خاطر یابند؛ خود را به دامن تصوف - رهبانیت می‌افکنند و به عوالم و رویاهای شیرین و ایده‌آل‌های جذاب پناه می‌برند و از دنیا و زندگی دنیوی اظهار تنفر می‌کنند.

۳- بدبینی به سرشت انسانی

این عامل یکی از عوامل مؤثر در پیدایش رهبانیت در آئین مسیح است. زیرا به اعتقاد برخی روحانیان مسیحی نظیر آگوستین؛ انسان موجودی شرور و گناهکار است.

آگوستین (۳۵۴-۴۲۰ م) در این زمینه معتقد است که انسان موجودی است، گناهکار که علت آن معصیت ازلی است، بر اثر این معصیت هیچ کودکی معصوم

نیست و انسان به تنهایی نمی‌تواند خود را سعادتمند کند مگر اینکه لطف الهی شامل حال وی شود و چنین بیان می‌کند "که چون ما همه فرزندان آدمیم؛ پس در گناه او نیز شریکیم و در حقیقت سلالهٔ گناه اوئیم. گناه اصلی، آلودگی به شهوت است و شهوت هنوز هم عمل نسل آدم را آلوده می‌کند. بر اثر ارتباط روابط جنسی یا تولید مثل، انسان به «توده‌ای از خسران» بدل شده است و بسیاری از ما میرندگان ملعون خواهند بود. برخی از ما نجات خواهند یافت اما فقط از طریق محبت پسر خدا و شفاعت مادری که او با قدسیت آستن شد" (ویل دورانت، ترجمهٔ ابوطالب صارمی، ۱۳۴۲: ۱۱۳). بنابراین ایدهٔ انسان گناهکار جزء گفتمان حاکم شد و افکار مسیحیان را در قرون وسطی تحت تأثیر قرار داد و حیات انسانی تحت الشعاع گناه اولیه قرار گرفت، و زندگی این جهانی چیزی جز تحمل درد و رنج چیز دیگری نیست و برای رسیدن به

در محیط اجتماعی جامعه‌ای

که ظلم و ستم و فساد و

ناامنی و آشفتگی حاکم

باشد و به نحوی سایر

نیازهای انسانی را تحت

تأثیر قرار دهد؛ نتیجه‌ای

جز محرومیت، ناکامی،

شکست، یأس و بدبینی

برای مردم و تنفر از زندگی

مادی و پناه بردن به

ریاضت‌طلبی نخواهد داشت

سعادت ابدی؛ مردم باید به اندیشه‌های کلیسا تن دهند و با احساسات و غرایز خود حتی به صورت مشروع به مبارزه بپردازند.

۴- آمیخته بودن لذات مادی به پاره‌ای از رنج‌های معنوی

درباره پدیده گرایش به دنیا و عالم معنویت؛ در طول تاریخ تضادهایی وجود داشته است؛ به این صورت که انسان یا باید به دنبال دنیا و لذت‌های آن می‌رفت و از عالم معنویات جدا می‌شد یا برعکس. همین تضاد باعث به وجود آمدن یک نوع زهد منفی شد. زهدی که برای ورود به عالم معنویت دوری تام و تمام از دنیا و لذت‌های آن را الگوی فراروی خود قرار داد. انسان برای اینکه به آزادی، استغنا و علو طبع برسد از لذت‌های دنیا چشم پوشید و رهبانیت و تجرد را پیش روی خود قرار داد. برای رسیدن به این هدف افراد از تشکیل زندگی سر باز زدند؛ زیرا تشکیل زندگی همراه با تحمل سختی‌ها و تلاش برای ادارهٔ خانواده هست؛ اگرچه مزایای خاص خود را دارد و از سوی دیگر فردی که تشکیل زندگی می‌دهد به نحوی به خانواده و فرزندان پایبند می‌شود و برای رفاه آنان به جمع‌آوری مال و ثروت می‌پردازد و در این راه ممکن است از راه‌های غیر اخلاقی به کسب درآمد بپردازد. بنابراین وابستگی عاطفی به خانواده و تلاش برای رفاه حال آنها؛ این ذهنیت را برای آنان به وجود می‌آورد که این امور مانع توجه به امور معنوی و الهی است و برای ورود به این عرصه، باید از امور دنیوی دوری کرد.

در متون دینی نیز در رابطه با اینکه وابستگی عاطفی و اقتصادی منجر به معصیت الهی و نافرمانی‌برداری از

دستورات الهی شود به انسان تذکر داده شده است. در این رابطه خداوند در سوره توبه؛ آیه ۲۴ بیان می‌دارد: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنََهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجارتی که از کساد شدنش می‌ترسید، و خانه‌هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوبتر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ و خداوند جمعیت نافرمانبردار را هدایت نمی‌کند! اما همچنان که بعداً بیان خواهد شد این امر هرگز منجر به این نشده است که خداوند بندگان خود را از زندگی اجتماعی به ویژه تشکیل خانواده نهی کند.

نسبت به زن وجود دارد. زن را از لحاظ حیثیت، شرافت انسانی و استعدادهای عقلی و روحانی در مرتبه‌ای پایین‌تر از مرد قرار می‌دهند و او را مقدمه وجود مرد و در خدمت وی می‌دانند. زن را به عنوان شیطان کوچک قلمداد می‌کنند که مرد را به گناه می‌کشاند. ویل دورانت در این باره از دید روحانیون مسیحی قرون وسطی چنین می‌گوید: "در نظر کشیشان و الهیون این قرون؛ مقام زن عبارت بود از شری ضروری و وسوسه‌ای طبیعی، مصیبتی مطلوب، خطری خانگی، جذبه‌ای مهلک و آسیبی رنگارنگ، زن هنوز همان حوای مجسم در همه جا بود که آدمی را از فردوس برین محروم ساخت. هنوز ابزار مطلوبی بود در دست شیطان برای اغفال مردان و فرستادن آنها به دوزخ" (ویل دورانت، ترجمه ابوالقاسم طاهری، ۱۳۴۳: ۴۸۲).

ب- رویکرد مبتنی بر آزادی روابط جنسی: از این رویکرد تحت عنوان اخلاق

مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸ م)؛ انگلس (۱۸۹۵-۱۸۲۰ م)؛ فروید (۱۹۳۹-۱۸۵۶ م) و راسل (۱۹۷۰-۱۸۷۲ م) نام برد. در این رابطه استاد مطهری چنین می‌گوید: "دنیای غرب در زمان حاضر در زمینه اخلاق جنسی نسبت به گذشته، به اصطلاح یک دور ۱۸۰ درجه‌ای زده است. امروز همه سخن از تقدیس، احترام، علائق و روابط جنسی، لزوم آزادی و برداشتن هر قید و بندی در این زمینه است. در گذشته آنچه گفته شده به نام دین بود و امروز نقطه مقابل آنها به نام علم و فلسفه پیشنهاد می‌شود (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۰).

متفکران مذکور با بیان نظریات خود در حیطه مسائل و مشکلات جنسی؛ پایه‌های علمی و فلسفی آزادی روابط جنسی را پی‌ریزی کردند که در این زمینه به بیان چکیده نظریات فروید و راسل می‌پردازیم:

فروید (۱۹۳۹-۱۸۵۶ م)

نظریه جنسی فروید در زمینه اخلاق جنسی ناشی از مطالعه افراد بیماری است که به وی مراجعه کرده‌اند او در اکثر این بیماران ریشه بیماری را در اولین تجارب جنسی آنها پیدا می‌کند و به عبارت دیگر ردپای مسائل جنسی در این بیماران مشهود و هویدا می‌شود. بنابراین در پی مطالعه خود بر روی بیماران به این نتیجه می‌رسد که عدم ارضاء غریزه جنسی بر اثر عوامل و محدودیت‌های بیرونی و عوامل اخلاقی و مذهبی، به ویژه اخلاق جنسی کهن باعث به وجود آمدن بیماری‌های روحی و روانی همچون هیستریک و عقده‌های روانی می‌شود. بنابراین فروید برای جلوگیری از شکل‌گیری عقده‌های روحی و روانی ناشی از سرکوبی غرایز جنسی و حفظ سلامت روانی انسان بر ارضاء

اسلام در مورد غرایز و تمایلات انسان؛ چه تمایلاتی که بین انسان و حیوان مشترک است؛ مثل غریزه جنسی؛ چه تمایلات عالی و فطری که فراحیوانی است؛ معتقد به رعایت اعتدال و به عبارت دیگر دوری از افراط و تفریط و دادن سهم غرایز حیوانی و تمایلات عالی فراحیوانی در هر بعد از ابعاد وجودی انسان است

نوین جنسی نیز یاد می‌شود؛ نقطه شروع این رویکرد از دوره رنسانس به بعد است و در نهایت این جریان در قرن بیستم به اوج خود می‌رسد. از بنیان و متفکران این اخلاق جنسی می‌توان از

۵- بدبینی نسبت به جنس زن در زمره آیین‌هایی که در بحث اخلاق جنسی کهن از آنها نام بردیم از دین مسیح باید یاد کرد که با تفسیر کلیسایی از آن یک نوع دید تحقیرآمیز و منفی

آزاد تمایلات جنسی تأکید کرد و این امر را برای سایر افراد اجتماع نیز تجویز کرد. بنابراین فروید با تعمیم نتایج بدست آمده از مراجعان وی در اطریش به قاعده‌سازی دست می‌زند و نوعی تعمیم یا استقرار نابجا صورت می‌دهد. البته لازم به ذکر است که عده ای معتقدند که فروید اعتقادی به ارضاء آزاد تمایلات جنسی ندارد، در این باره آریان‌پور بیان می‌دارد که: "از آثار فروید مخصوصاً کتاب‌هایی که در اواخر عمر نوشت به وضوح بر می‌آید که وی اگر چه محرومیت‌های جنسی را خطرناک می‌داند، ولی آزادی جنسی را خطرناک‌تر می‌شمارد. کامگیری را ضروری تلقی می‌کند؛ ولی می‌گوید انسان متمدن باید بسیاری از کام‌های خود را برتر سازد و به صورت فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی بروز دهد و می‌گوید باید آمیزش جنسی کرد ولی از عشق و صمیمیت نیز محروم نباید بود؛ باید از ازدگی پرهیز نمود، اما مانند اطفال و دیوانگان بنده لذت نیز نباید شد" (آریان پور، ۱۳۵۷: ۳۲۱).

راسل (۱۹۷۰-۱۸۷۲م)

راسل با توجه به عدم اعتقاد به اخلاق جنسی کهن و با توجه به پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و پزشکی در قرن معاصر، همچون استقلال مالی زنان و اشتغال به کار آنان، گسترش نهضت‌های آزادی خواهی زنان و کسب آزادی‌های اجتماعی، پیشرفت‌های پزشکی و به تبع آن گسترش وسایل پیشگیری از حاملگی، و موارد دیگری از قبیل افزایش سهم دولت در نگهداری و آموزش کودکان و دفاع از حقوق آنان و در نهایت جایگزین شدن دولت به جای پدر جهت مراقبت همه جانبه از کودک، اخلاق جنسی نوینی

را پی‌ریزی می‌کند. وی درباره ضرورت ایجاد اخلاق جنسی جدید می‌گوید:

"تمدن آینده، اخلاق و سنت جدید جنسی بهتر و مناسبتری را ضروری می‌داند. از این رو؛ تجدیدنظر در اخلاق جنسی یکی از نیازهای حیاتی زمان به حساب می‌آید. در میان اخلاقیات فردی و شخصی، اخلاق جنسی مشروط بر آن که بر پایه‌های علمی استوار بوده رنگ خرافات نگرفته باشد؛ در بررسی‌های اصلاح نسل؛ مقام اول را حائز است. به هر حال می‌توان انتظار داشت که کف نفس‌ها و امساک‌هایی که در زمینه مقاربت جنسی صورت می‌گیرد تخفیف یابد" (راسل، ترجمه مهدی افشار، ۱۳۵۲).

بر مبنای سیستم اخلاق جنسی نوینی که راسل پیشنهاد داده است، اولین موضوعی که مورد توجه قرار می‌گیرد همانا مسئله کامیابی آزادانه زنان و مردان از معاشرت‌های جنسی و به عبارت دیگر یک نوع کمونیسم جنسی است و این آزادی جنسی تا زمانی که به حقوق دیگران ضرر و لطمه‌ای وارد نسازد؛ از نظر ایشان ممدوح و پسندیده است. در طی یکی از مصاحبه‌هایی که از راسل به عمل آمد وی در پاسخ این سؤال که: شما به مردمی که می‌خواهند در روابط جنسی؛ روش عاقلانه‌ای در پیش گیرند چه اندرزی می‌دهید؟ می‌گوید:

"ما باید اخلاق جنسی را مانند سایر مسائل به دقت رسیدگی کنیم، باید بگوییم که اعمال شما که آسیبی به هیچ کس نمی‌زند؛ دلیلی وجود ندارد که آن را محکوم نماییم و شما نباید آن را صرفاً برای اینکه بعضی از تابوهای قدیمی آن را غلط می‌دانند؛ محکوم سازید. شما باید توجه کنید که آیا آن عمل ضرر دارد یا نه؟ و این مطلب اساس اخلاق جنسی

و اخلاق‌های دیگر را تشکیل می‌دهد" (جعفری، ۱۳۶۴: ۴۵۱).

ج- رویکرد اسلامی: رویکرد اسلامی نسبت به مسائل جنسی را می‌توان به دو رویکرد اعتدالی و عبادی تقسیم کرد که به شرح آن می‌پردازیم:

۱- رویکرد اعتدالی به غریزه جنسی: رویکرد اعتدالی نسبت به غریزه جنسی چیزی است که اخلاق جنسی اسلام پیشنهاد می‌کند. این رویکرد مبتنی بر دوری از افراط و تفریط است. به این صورت که اگر ما رویکردهای مختلف به اخلاق جنسی را روی یک پیوستار در نظر بگیریم؛ ابتدا و انتهای این پیوستار اخلاق جنسی کهن و نوین قرار می‌گیرند و میانه این پیوستار اخلاق جنسی اسلامی واقع می‌شود. بنابراین اسلام در مورد غرایز و تمایلات انسان؛ چه تمایلاتی که بین انسان و حیوان مشترک است؛ مثل غریزه جنسی؛ چه تمایلات عالی و فطری که فراحویانی است؛ معتقد به رعایت اعتدال و به عبارت دیگر دوری از افراط و تفریط و دادن سهم غرایز حیوانی و تمایلات عالی فراحویانی در هر بعد از ابعاد وجودی انسان است.

بر این اساس در اسلام غرایزی که بین انسان و حیوان مشترک است؛ نه تنها پست، پلید، زشت و فاقد ارزش نیست بلکه بهره‌گیری متعادل از آن مورد تأکید، ارزشمند و در جرگه امور عبادی است؛ آنچه در این حیطة طرد و نفی شده است؛ آرمان و ایده‌آل قرار گرفتن جنبه اشتراکی بین انسان و حیوان است و ارضاء آن خارج از حیطة شرع می‌باشد. به همین دلیل است که در مراتب نفس انسان (اماره، لوازمه و مطمئنه) بر مبارزه با نفس اماره که انسان را دعوت می‌کند به آرمان و ایده‌آل قرار دادن جنبه

اشتراکی بین انسان و حیوان و ارضاء تمایلات در این راستا بدون رعایت هنجارهای اخلاقی تأکید شده است.

بنابراین در اسلام گفتمان حاکم بر امور جنسی از نوعی اخلاق جنسی تبعیت می کند که مبتنی بر عفاف، حجب و حیا، تقوا و خویشستن داری، تعادل و صداقت و پاکدامنی در دو بعد جسمی و روانی است. از سوی دیگر؛ اسلام تلاش می کند امور جنسی را به کانون خانواده بکشاند و جامعه را از هر گونه تحریکات جنسی مبرا و پاک کند و آنرا محلی برای فعالیت سازنده و مثبت قرار دهد و در خود کانون خانواده نیز رفتار جنسی والدین هرگز نباید باعث تحریکات جنسی کودکان و سایر افراد خانواده شود.

بر اساس رویکرد اعتدالی؛ ما غریزه جنسی را طرد نمی کنیم ولی می کوشیم آن را تشدید نکنیم و به آن پرو بال ندهیم. بر این اساس ما سعی می کنیم که تمایلات جنسی به موقع بیدار شود و در کاربرد آن دچار بی بندوباری نشویم و تابع هوا و هوس خود عمل نکنیم. امام محمد غزالی در این باره می گوید: "بدان که اندر شهوت نیز افراط هست و تفریط و میانه؛ افراط آن بود که چنان شود از فواحش و کارهای زشت شرم نداشتن باشد و همه چیز خود را برای آن بدهد و چون انسان به این حد رسید؛ راه مقابله با آن روزه گرفتن است و اگر باز هم تمایل به انجام این کار داشت باید ازدواج کند و تفریط آن است که شهوت به کلی در کسی بروز نکند و این نقصان و ضعف را می رساند. و اعتدال آن است که شهوت در کسی باشد ولی اجازه طغیان نداشتن باشد بلکه تحت فرمان عقل باشد" (غزالی، ۱۳۶۱ج: ۲: ۶۲).

از دیدگاه اسلام؛ با توجه به آنچه

بیان شد قوای شهوانی و به ویژه غریزه جنسی نه علت تامه شقاوت و نه علت تامه سعادت است؛ بلکه خوب یا بد بودن آن از نظر اخلاقی بستگی به نوع رفتار ما با این غریزه دارد، اگر رفتار ما با این غریزه در حد اعتدال و به دور از افراط و تفریط باشد؛ سلامت اخلاقی ما تضمین خواهد شد.

۲- رویکرد عبادی به غریزه جنسی: در اسلام علاوه بر رویکرد اعتدالی؛ یک نوع رویکرد عبادی نیز نسبت به غریزه جنسی وجود دارد؛ این امر منتج از نگرش اسلام به انسان است؛ در اسلام، انسان کلیتی منسجم و در هم تنیده شده است، نه منفک از هم، و شئون وجودی او وابسته به هم هستند؛ پاره پاره و تکه تکه نیستند و هر گونه عدم اعتدال فقط یک جنبه از وجود انسان را دچار کجی و ناراستی نمی کند؛ بلکه کلیت وجودی او را دچار کجی و ناراستی می کند. بر این اساس؛ معنویت که روح حاکم بر تفکر الهی است ناظر به تمام جنبه های وجودی انسان است؛ نه جنبه خاص، و رویش معنویت در درون انسان مبتنی بر شناخت خداوند و انتخاب او به عنوان رب خویش و تن زدن از ربوبیت غیر و عمل به دستورات الهی است. در چنین فرایندی انسان موحد باید موانع ایمان را در دو بعد نظر و عمل در تمام ابعاد وجودی خود به طور مداوم کنار بزند تا به فلاح و رستگاری برسد؛ به عبارت دیگر ایمان و به تبع آن عمل صالح در ساحت های وجودی انسان از جمله ساحت جنسی امری است زنده، فعال، پویا و دینامیک، و رشد و تکامل نیز امری پویا است. بر این اساس؛ افراد همواره نیازمند مراقبت از خود خواهند بود.

معنویت روح کلی زندگی یک انسان

موحد را تشکیل می دهد؛ همچنانکه در سوره انعام؛ آیه ۱۶۲ بیان شده است: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» بگو: تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است. بر همین اساس است که در سوره مؤمنون؛ آیات ۱ تا ۱۱ شأن جنسی انسان و رفتار درست مربوط به آن در کنار امور عبادی، معنوی و انجام سایر دستورات دینی مطرح شده است و اینها را در کنار هم به عنوان عامل رستگاری انسان مطرح کرده است؛ که به بیان آن می پردازیم: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» : مؤمنان رستگار شدند؛ «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» : آنها که در نمازشان خشوع دارند؛ «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» : آنها که از لغو و بیهودگی روی گردان اند؛ «وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ» : و آنها که زکات را انجام می دهند؛ «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ» : و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی عفتی) حفظ می کنند؛ «إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» : تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزان شان دارند، که در بهره گیری از آنان ملامت نمی شوند؛ «فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» : و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند؛ «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» : و آنها که امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند؛ «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» : و آنها که بر نمازهای شان مواظبت می نمایند؛ «أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ» : آنها وارثانند؛ «الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» : که بهشت برین را ارث می برند، و جاودانه در آن خواهند ماند.

در احادیث نیز بر جنبه معنوی رفتار جنسی به عنوان یک امر عبادی تأکید

شده است، و بر این اساس دین داری یکی از مهم‌ترین صفات شخصیتی است که زوجین باید به آن آراسته باشند؛ در این باره پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: انکح و علیک بذات دین تربت یداک: ازدواج کن و دین داری را ترجیح بده (به سایر ویژگی‌ها همچون جمال و مال) این مورد تو را از سایر موارد بی‌نیاز می‌کند (الحرالعالمی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱۴: ۳۰). همچنین ابی‌عبدالله بیان می‌دارد: «ذا تزوج الرجل المرأه الجمالها أو لمالها و کل إلى ذالک، وإذا تزوجها لدینها رزقه الله المال و الجمال» هر گاه مردی با زنی ازدواج کرد به خاطر زیبایی یا مال یا هر چیز دیگر از این قسم، و هنگامی که به خاطر دینداری با او ازدواج کند؛ خداوند او را از زیبایی و مال بی‌نیاز می‌کند (همان).

نقد و انتقاد

در اینجا ما به خاطر اینکه اثبات کنیم رویکرد اسلام به غریزه جنسی یک رویکرد درستی است؛ به نقد دو رویکرد قبلی می‌پردازیم:

الف- نقد رویکرد رهبانیت: رویکرد تفریطی یا رهبانیت جنسی بر خلاف طبیعت و سرشت انسان است. بر اساس جهان بینی اسلامی آموزه‌های دینی مبتنی بر فطرت انسان است و همچنین هستی به بهترین وجه ممکن خلق شده است. به عبارتی دیگر هستی مبتنی بر نظام احسن است، و هیچ نوع نقص و کاستی در آن نیست. همچنانکه در سوره سجده؛ آیه ۷ بیان شده است: «الذی أحسن کل شیء خلقه...» او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید؛ ...

بر این اساس؛ خداوند در ساختار وجودی انسان بر طبق نیازها و تمنیات فطری و بر مبنای مقتضیات و شئون

حیات مادی و معنوی او یک سلسله غرایز، عواطف و احساسات را در وی به ودیعه نهاده است که به وسیله این غرایز؛ با هستی پیرامون خود ارتباط برقرار می‌کند. بدون این غرایز آدمی نخواهد توانست راه رشد و تکامل خویش را بیپیماید. از سوی دیگر همچنانکه بیان شد خلقت انسان مبتنی بر نظام احسن است، یعنی انسان به کامل‌ترین شکل ممکن آفریده شده است. زیرا لازمه حکمت، جود، کرم و قدرت خداوندی است که خلقت انسان چنین باشد و بر همین اساس شئون و ابعاد متعدد و متکثر وجود انسان همچون شأن معنوی، الهی، مادی، جنسی، و... و تمایلات، قوا و غرایز مربوط به هر کدام از این شئون وجودی بی‌حکمت نیست و اساس زندگی بشر بر آنها استوار است و جزء فطرت و طبیعت انسانند. بنابراین فطری و طبیعی بودن این ابعاد وجودی،

حکیمانه بودن آنها به ویژه شأن جنسی انسان و تمایلات و علایق مربوط به آن و اینکه آدمی ذاتاً و بدون واسطه، به اصطلاح از طریق علم حضوری آنها را در وجود خویش احساس می‌کند. بهترین دلیل بر این مدعا این است که اخلاق جنسی کهن با آن مفروضات زیربنایی خودش (پلیدی غریزه جنسی، تحقیر زنان، گناه اولیه و...) از نظر اسلام مورد قبول نمی‌باشد و چون بین دستورات الهی و سرشت انسان نوعی هم‌آوایی هم‌آهنگی و توازن وجود دارد و اسلام یکایک قواعد و مقررات خود را بر فطرت و سرشت تغییرناپذیر انسان بنا کرده است؛ بنابراین هر نوع اخلاق جنسی، آداب و سنن و مقررات اجتماعی که در صدد امحاء، سرکوبی و تقبیح این گونه غرایز و تمایلات در وجود آدمی باشد؛ بدون تردید از نظر اسلام مطرود و مذموم خواهد بود.

برای تأیید این مدعا می‌توان به منطق قرآن مراجعه کرد، خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآن؛ انسان‌ها را به بهره‌گیری از لذت‌های مادی و نعمت‌های الهی دعوت نموده است. برای مثال سوره قصص؛ آیه ۷۷: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا...» و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن. «سوره مائده؛ آیه ۸۷: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ.» ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ چیزهای پاکیزه‌ای را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید و از حد، تجاوز ننمایید زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد.

علاوه بر این در سوره روم؛ آیه

در اسلام گفتمان حاکم بر امور جنسی از نوعی اخلاق جنسی تبعیت می‌کند که مبتنی بر عفاف، حجب و حیا، تقوا و خویشتن داری، تعادل و صداقت و پاکدامنی در دو بعد جسمی و روانی است

۲۱ از خلقت زن و مرد به عنوان نشانه های حکمت پروردگار یاد شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند. از سوی دیگر خداوند در این سوره با بیان "وَمِنْ آيَاتِهِ" ارضای مشروع غریزه جنسی و میل به همسرگزینی را به اراده تکوینی

برتری داده، به حدی افراد امت خود را به زناشویی ترغیب و تشویق نموده که در آن؛ هیچ امر اجتماعی مستحب تر و پسندیده تر از ازدواج و ایجاد نسل و بقاء نوع نیست (صدر، ۱۳۵۲: ۱۵۰).

و در نهایت اینکه پیامبر اکرم (ص) می فرماید: لم يرسلني الله تعالى بالرهبانیه لکن بعثني بالحنيفه السهله و السمحه (باقری، ۱۳۸۰: ۱۵۲، به نقل از اصول کافی). خدا مرا برای رهبانیت و ریاضت نفرستاده است؛ بلکه مرا برای شریعتی آسان و با گذشت فرستاده است.

دارند، نه تنها موجود، بلکه همچنین موجه و مشروعند. از این رو، نیازها و سائق های مذکور چون حقوق طبیعی یا انسانی در نظر گرفته شده اند. و این حقوق، مطلق یا بنیادینند و نباید آنها را نقض نمود" (باقری، ۱۳۸۰: ۱۲۲). بر این اساس نباید محدودیتی برای ارضاء نیازهای آدمی ایجاد کرد و هر مانعی که باعث عدم ارضاء این نیازها شود را باید از میان برداشت جز یک چیز و آن هم آزادی دیگران؛ یعنی ما تا زمانی آزادیم که به آزادی دیگران لطمه نزنیم.

باقری در نقد این دیدگاه بیان می دارد "در دیدگاه اسلام وجود نیازها و سائق های درونی به ضرورت حاکی از موجه و مشروع بودن آنها نیست" (همان: ۱۲۲). بر این اساس در اسلام علاوه بر آزادی دیگران، تمایلات عالی، ارزش های اخلاقی و احکام الهی آزادی ما را محدود می کنند. به عبارت دیگر در اسلام علاوه بر آزادی های سیاسی- اجتماعی، نوع دیگری از آزادی مطرح است که می توان آن را آزادی معنوی نامید. در رابطه با آزادی معنوی استاد مطهری بیان می دارد: "آزادی معنوی بر خلاف آزادی اجتماعی، آزادی انسان، از خودش است. آزادی اجتماعی؛ آزادی انسان است از قید و اسارت افراد دیگر. ولی آزادی معنوی نوع خاصی از آزادی است و در واقع آزادی انسان است از قید و اسارت خودش" (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۲). و این آزادی معنوی و متصف شدن به فضیلت های اخلاقی جز از راه تقوای حضور، به یاد آوردن مبدأ و معاد، خویشتر داری و عبودیت الهی و تن زدن از ربوبیت غیر؛ حاصل نمی شود.

ب- پرورش همه استعداد های درونی؛ تکیه گاه دوم این رویکرد منتج از نظرات

اسلام بر خلاف مسیحیت و برخی آیین ها که عزوبت را بر تاهل برتری داده، به حدی افراد امت خود را به زناشویی ترغیب و تشویق نموده که در آن؛ هیچ امر اجتماعی مستحب تر و پسندیده تر از ازدواج و ایجاد نسل و بقاء نوع نیست

ب- نقد رویکرد ارضاء آزاد تمایلات جنسی این رویکرد همچنانکه بیان شد؛ مبتنی بر سه پایه اساسی است که به نقد هر کدام از آنها می پردازیم:

الف - آزادی؛ تکیه گاه اصلی این رویکرد؛ اصالت دادن به آزادی انسان است که راسل هم بر آن تأکید اساسی دارد. این تأکید بر آزادی مبتنی بر مفروضات فلسفی خاصی است و یکی از این مفروضات فلسفی تعریف معینی از طبیعت آدمی است؛ باقری در این باره بیان می دارد: "بر این اساس نیازها و سائق هایی که در طبیعت آدمی وجود

خود نسبت داده است و به این وسیله به تمامی آیین ها و ادیان مسخ شده که تنها راه میل به کمال را در امحاء غریزه می پندارند، دست رد زده است و میل جنسی و پیوند زناشویی را از نشانه ها و آیات خود بیان کرده است. به این ترتیب شریعت اسلام این خطر اجتماعی را در منتهی درجه اهمیت تلقی کرده و با توجه به اینکه امر ازدواج پایه و اساس سازمان اجتماعی هر قوم شمرده می شود؛ آن را مورد نظر قرار داده است و بنیادش را بر قواعد و اصول عقلی و اخلاقی استوار ساخته است. اسلام بر خلاف مسیحیت و برخی آیین ها که عزوبت را بر تاهل

فروید و ناظر بر پرورش همه استعداد‌های درونی است، که مبتنی بر این عقیده است که شکوفایی استعداد‌های فطری و طبیعی باعث نشاط و شادکامی و تعادل روحی و روانی فرد می‌شود، اما جلوگیری و تحت فشار قرار دادن آنها موجب هزاران ناراحتی، اضطراب، جنایت و انحراف می‌گردد. استاد مطهری در رد این تکیه‌گاه بیان می‌دارد که اسلام با رشد طبیعی استعدادها مخالف نیست، بلکه با آشفتنی، بی‌نظمی و به اختلال کشاندن استعداد‌های طبیعی انسان مخالف است. همچنین در دفاع از اخلاق جنسی اسلامی بیان می‌دارد که آنچه تحت عنوان کشتن نفس در متون اسلامی آمده است به معنای نابود کردن استعداد‌های فطری و طبیعی نیست؛ بلکه به معنای میراندن نفس اماره است که نماینده اختلال و به هم خوردگی و نوعی طغیان و سرکشی است که این نوع میراندن گاهی با ارضای نفس حاصل می‌شود و گاهی با مخالفت با آن.

ج - طغیان غریزه جنسی: تکیه‌گاه سوم این رویکرد نیز منتج از نظرات فروید است و ناظر بر این امر است که در اثر منع و محدودیت، غریزه جنسی شعله‌ورتر می‌گردد و در اثر ارضای و اشباع کاهش می‌یابد و آرام می‌گیرد. بنابراین برای انصراف بشر از توجه دائم به امور جنسی و جلوگیری از عوارض ناشی از آن، راه صحیح این است که در این راه هر گونه قید و ممنوعیتی را از جلوی پایش برداریم. استاد مطهری در نقد این اصل به بیان این مطلب می‌پردازد که همچنان که محرومیت باعث ایجاد عقده‌های روانی می‌شود، آزادی بیش از اندازه نیز باعث اختلالات روانی و انحرافات جنسی می‌شود و با غریز و

تمایلات خود باید به مانند یک حکومت عادل و دموکرات برخورد کرد و در عین حال بیان می‌دارد در جوامعی که آزادی روابط بین زن و مرد محدود است؛ زمینه برای رشد عشق‌های پاک و در نتیجه خلق آثار هنری و ذوقی و اجتماعی فراهم می‌شود. و همچنین عفت و وجود تقوا و دور از دسترس بودن زن را عامل پیدایش عشق‌های سوزان و عمیق می‌داند و محیط‌های آزاد را مانع پیدایش چنین عشق‌هایی می‌داند و بیان می‌دارد در این گونه محیط‌ها زن به حالت ابتدال در می‌آید و فقط ابزاری است برای فرونشاندن هوس‌های آنی و موقتی (مطهری، ۱۳۷۲). مطهری در نقد نظریه فروید می‌گوید: "اینها توجه نکردند که همانطور که محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها؛ غریزه را سرکوب و تولید عقده می‌کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریک و تهیج درآوردن؛ آن را دیوانه می‌سازد و چون این امکان وجود ندارد که همه خواسته‌های بی‌پایان یک فرد برآورده شود؛ غریزه بدتر سرکوب می‌شود و عقده روحی به وجود می‌آید (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۱۹). علاوه بر آنچه بیان شد؛ در نقد نظریات فروید خود روانشناسان غرب بیان می‌دارند "بنابرس نظریه‌های فروید ارضای کامل و منع نشده تمایلات غریزه جنسی نوعی روان‌درستی و خوشبختی ایجاد می‌کند. ولی حقایق پزشکی نشان می‌دهد که مردان و زنانی که زندگی خود را فدای کامیابی‌های بی‌قید و بند جنسی می‌کنند به خوشبختی نمی‌رسند و اغلب آنان به تعارضات نوروتیک شدید یا علائم آنها گرفتار می‌شوند. ارضای کامل احتیاجات غریزی نه تنها پایه خوشبختی نیست بلکه شرط اساسی

سلامت عقل نیز محسوب نمی‌شود" (فروم، ترجمه پورسلطانی، ۱۳۶۶: ۱۲۷). هورنای (Karen Horney) نیز به عنوان یکی از منتقدان فروید؛ علت اصلی نابسامانی‌های روحی آدمی را در عدم پاسخ مقتضی و بجا به نیازهای اساسی روانی نظیر نیاز به دادوستد عاطفی می‌داند و نه محرومیت از غریزه جنسی. به عنوان مثال؛ هورنای در نقد عقده اودیپ (Complex Oedipus) (غریزه عشق به مادر و غریزه کینه متمایل به پدر) که یکی از عقده‌های روانی است که فروید آن را مطرح می‌کند، بیان می‌دارد که: "پرخاشگری کودک ناشی از غریزه جنسی و رقابت نیست، بلکه ناشی از دلواپسی و از بیم آن است که مورد بی‌مهری قرارش دهند و از حمایت و مراقبت محروم‌ش بدارند" (سیاسی، ۱۳۶۷: ۱۲۴).

اتخاذ رویکرد

همچنانکه بیان شد در میان این سه رویکرد به اخلاق جنسی؛ رویکرد اسلامی یک رویکرد مطلوب و متعادل نسبت به غریزه جنسی است. در این جا به یکی از پایه‌هایی که این رویکرد بر آن استوار است و متناسب با موضوع مقاله است یعنی، زوجیت و ازدواج می‌پردازیم:

الف- زوجیت: زوجیت مبنایی است بنیادین که خلقت الهی مبتنی بر آن است و قانونی است عمومی که گستره هستی را در بر گرفته است. همچنانکه در کلام الهی بیان شده و در این میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سوره ذاریات؛ آیه ۴۹: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» و از هر چیز یک جفت آفریدیم، شاید متذکر شوید. در تفسیر این آیه آمده است که: "واژه زوج را معمولاً

زن و مرد ایجاد می کند، وگرنه شهوات نمی تواند نشانه ای از نشانه های خدا باشد و موجب آرامش گردد.

از بعد ارزش شناسی جنسی نیز می توان گفت که ازدواج به عنوان یک امر مقدس و به عنوان یکی از اساسی ترین راهکارهای ارضاء غریزه جنسی می تواند در رأس ارزش ها قرار گیرد؛ زیرا عفت، پاکدامنی، خویش تن داری، به طور کلی سلامت جنسی جز در بستر ازدواج مناسب و صحیح امکان پذیر نیست.

همچنانکه پیامبر اکرم (ص) در این باره می گوید: اگر کسی برای خواستگاری دختر شما آمد که از اخلاق و دینش راضی هستید؛ او را تزویج نمایید. اگر چنین نکنید در زمین فتنه و فساد بزرگ واقع خواهد شد: «اذا جاءکم من ترضونه خلقه و دینه تزوجو هو الا تفلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر» (النوری الطبرسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۱۴: ۱۵۲). به همین دلیل است که پیامبر اکرم (ص) بر ازدواج و نفی تجرد برای رعایت ارزش های اخلاق جنسی تأکید می ورزند و در این رابطه بیان می دارند: "من سنتی التزویج فمن رغب من سنتی فلیس منی" (مجلسی، بحار الانوار، ۵۱۴۰۳-ق، ج ۱۴: ۲۲۰). ازدواج سنت و روش پسندیده من است. پس هر کسی که از سنت من روی گردان باشد از من نیست. یا "ازدواج بهترین وسیله برای حفظ و فروهستن نگاه شهوانی، عفت جنسی، پاک دامنی و شرافت انسانی است" (پور امینی، ۱۳۸۴: ۱۷۱، به نقل از مستدرک الوسایل، ج ۱۴: ۱۵۳). همچنین بیان می دارد "من احب یلقى الله طاهراً مطهراً فلیلقه بزوجه" (الحرالعالمی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱۴: ۶). هر کس دوست دارد خداوند را با قلب مطهر و پاک ملاقات کند ازدواج کند.

بخشیده اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته اند و به طور کلی، عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته و به آن ازدواج اطلاق شده است" (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳).

طبق این تعریف ازدواج پیوندی آشکار و رسمی، بر اساس هنجارها و ارزش های جامعه بین دو جنس مخالف است که به بلوغ جنسی، عقلی، عاطفی، اجتماعی و اقتصادی نسبی دست یافته اند.

ازدواج در کلام الهی، به وجودآورنده مطمئن ترین و آرام بخش ترین رابطه ها و آغازگر زندگی همراه با طراوت، مودت و ایثار است. از آیات و نشانه های قدرت خداوند این است که برای انسان از نوع خود، همسرانی آفرید تا در کنار آنان، به آرامش و سکون نایل آیند و بین آنان دوستی و رحمت قرار داد همچنانکه در سوره روم؛ آیه ۲۱ آمده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». منشأ گرایش مرد به زن و آرمیدن مرد در سایه انس به زن؛ مودت و رحمتی است که خداوند بین آنها برقرار کرده و این مودت الهی و رحمت خدایی غیر از گرایش غریزی نر به ماده است که در حیوانات هم وجود دارد؛ و از این رهگذر است که زن؛ محبوب رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) واقع شده است هم چنانکه می فرماید: من از دنیای شما، سه چیز را دوست دارم: زن، بوی خوش و نماز نور چشم من. «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثٌ: النِّسَاءُ، وَ الطَّيِّبُ، وَ قَرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ». (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۷۳: ۱۴۱، به نقل از الخصال، ج ۱: ۷۹) چیزی که مایه سکون است همان مودت و رحمت الهی است که جاذبه ای معنوی بین

به دو جنس نر و ماده می گویند، خواه در عالم حیوانات باشد یا گیاهان، و هرگاه آنرا کمی توسعه دهیم، تمام نیروهای مثبت و منفی را شامل می شود، و با توجه به اینکه قرآن در آیه فوق می گوید: (من کل شیء) (از همه موجودات) نه فقط موجودات زنده، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که تمام اشیاء جهان از ذرات مثبت (پروتون) و منفی (الکترون) ساخته شده اند" (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲۲: ۲۷۶). سوره رعد آیه ۳: «وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ...». و او کسی است که زمین را گسترده و در آن کوه ها و نهرهایی قرار داد؛ و در آن از تمام میوه ها دو جفت آفرید. سوره نجم؛ آیه ۴۵: «وَأَنَّهُ خَلَقَ الرُّوحَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى...». و اوست که دو زوج نر و ماده را آفرید. سوره قیامت؛ آیه ۳۹: «فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى...». و از او دو زوج مرد و زن آفرید. سوره بقره؛ آیه ۳۵: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ...». و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن. بر اساس این آیات می توان گفت آنچه در خلقت انسان اصالت دارد زوجیت است نه تجرد و تنها زیستن، بر همین اساس است که کلام الهی و پیامبر اکرم (ص) بر ازدواج به عنوان یک اصلی که از زوجیت به عنوان مبنای هستی شناسانه منتج می شود؛ تأکید کرده اند.

ازدواج: ازدواج به عنوان یک امر ارزشی دارای جایگاه اساسی در اخلاق جنسی است. ازدواج به عنوان یک سنت دیرپای حسنه است که عبارت است از: "کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن، که برخی شرایط قانونی را تحقق

در عین حال در راستای حفظ ارزش های اخلاقی مجرد را پدید می شمرد و "بدترین مردم را عذب ها و مجردانی می دانست که تلوان ازدواج دارند اما به آن روی نمی آورند" (پور امینی، ۱۳۸۴: ۱۷۲، به نقل از مجلسی، ۵۱۴۰۳-ق، ج ۱۰۳: ۲۲۱).

بنابراین ازدواج در اسلام به عنوان یک امر مقدس و عبادت کم نظیر و در برخی موارد یک واجب شرعی به حساب آمده است و به عنوان محبوب ترین و عزیزترین پایه اسلام در نزد خداوند معرفی شده است؛ پیامبر گرامی اسلام در باب ارزش و اهمیت ازدواج؛ سخنان متعددی بیان کرده اند که به بیان آن می پردازیم: من تزوج فقد احرز نصف دینه فلیتق الله فی النصف الاخر: کسی که ازدواج کند نصف دین خود را کامل کرده است و در نصف دیگر نیز به خدا توکل کند (مجلسی، ۵۱۴۰۳-ق، ج ۱۰۳: ۱۲۹، به نقل از أمالی الطوسی، ج ۲: ۱۳۲)؛ خیار امتی المتأهلون و شرار امتی العزاب: بهترین امت من کسانی هستند که ازدواج نموده اند و برای خود همسر برگزیده اند و بدترین آنان کسانی هستند که از زناشویی سرباز زده اند و با عزوبت به سر می برند (النوری الطبرسی، ج ۱۴: ۱۵۶)؛ ان یكون علی فطرتی فلبستن بسنتی، فان من سنتی النکاح: کسی که به فطرت من علاقه دارد البته باید از سنت من پیروی کند و در راه من قدم بردارد و یکی از سنن من ازدواج و آمیزش با زنان است (همان منبع: ۱۴۹).

از سوی دیگر ازدواج در اسلام آن قدر مهم شمرده شده است که در موازینی لازم است حاکم اسلامی مقدمات ازدواج افرادی را که نیاز جنسی آنان را به گناه می کشاند فراهم آورد، حضرت علی (ع) با توجه به این مسئله در خطبه

۱۲۷ به کار پیامبر (ص) استناد می کند و می فرماید: "حقیقتاً شما می دانید که رسول خدا (ص) شخص زناکار را که همسر داشت سنگسار نمود پس بر او نماز گذارد و بازماندگانش از او ارث بردند و زناکار بدون همسر را تازیانه زد سپس سهم او را از غنایم داد و زن مسلمان را به نکاح او درآورد (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۸۴: ۲۴۱).

ازدواج در اسلام به عنوان یک امر مقدس و عبادت کم نظیر و در برخی موارد یک واجب شرعی به حساب آمده است و به عنوان محبوب ترین و عزیزترین پایه اسلام در نزد خداوند معرفی شده است

موانع ازدواج

همچنان که بیان شد بر اساس رویکرد اسلامی ازدواج یکی از اساسی ترین راهکارهای ارضاء غریزه جنسی می باشد و سلامت اخلاق جنسی یک جامعه نسبت متقابلی با فراهم بودن امکانات ازدواج برای افراد آن جامعه دارد؛ زیرا در دنیای امروز با شکسته شدن دیوارها و مرزها؛ افراد در معرض پیام های متفاوت و متناقض با فرهنگ خود قرار دارند، این عوامل همراه با ضعف انسان در مقابل غریزه جنسی ممکن است افراد را به سمت شکستن هنجارهای فرهنگی و حدود الهی بکشاند.

اما می خواهیم بدانیم چه عواملی باعث شده اند که گرایش به ازدواج به عنوان یک سنت حسنه و یک اصل اساسی در زندگی انسان دچار مشکل شده است، و توانایی جوانان برای ازدواج را سلب نموده است. در اینجا ما برای تحلیل این معضل عواملی که باعث کاهش گرایش به ازدواج شده اند را در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و فردی مورد بررسی قرار می دهیم، که به شرح هر کدام از اینها می پردازیم:

الف- عوامل فرهنگی

از میان عوامل فرهنگی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- گسترش اخلاق نوین جنسی: بالطبع تأکید اخلاق نوین جنسی بر ارضاء آزاد تمایلات جنسی در خارج از چارچوب ازدواج تا حدی که به آزادی دیگران لطمه نزند با سایر خصوصیات که در بخش اول مقاله به آن اشاره شد زمینه کاهش انگیزه برای ازدواج و تشکیل خانواده را به وجود می آورد.

۲- گسترش فرهنگ تکاثر و تفاخر: تبلیغ زندگی تجملی و پر زرق و برق توسط رسانه های گروهی باعث ظهور الگوهای رفتاری جدید، تمایلات و نگرش های تازه می شود که تعادل ذهنی و فرهنگی جامعه را در هم می ریزد. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

"موانع فرهنگی ازدواج را دست کم نگیرید. ازدواج برای جوان ها لازم است و جوان ها آن را می خواهند؛ اما موانعی هم وجود دارد؛ ولی همه موانع اقتصادی نیست، موانع اقتصادی بخشی از مشکل است؛ عمده موانع فرهنگی است- عادت ها، تفاخرها، تکاثرها، چشم و هم چشمی ها، تجمل طلبی ها - اینهاست که یک مقدار نمی گذارد آن کاری که باید

انجام بگیرد، صورت بگیرد. باید خود شما و خانواده‌هایتان این گره‌ها را باز کنید. من از این ازدواج دانشجویی که هر سال برگزار می‌شود؛ بسیار خشنود و خرسندم. اگر عادت کنند که ازدواج‌ها را ساده، بی‌پیرایه و بی‌تشریفات انجام بدهند فکر می‌کنم خیلی از مشکلات حل خواهد شد. اساس ازدواج در اسلام بر سادگی است. در اوایل انقلاب هم همین‌طور بود؛ منتها متأسفانه این فرهنگ تکاثر و تفاخر و سرمایه‌داری یک مقدار کار را مشکل کرد؛ متأسفانه بعضی از مسؤولان هم با ازدواج‌های خانواده‌هایشان مشکلاتی را درست

آرام آرام به صورت یک ساختار فرهنگی شکل گرفته‌اند و به یک فرهنگ تبدیل شدند (مقدس جعفری، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

ب- عوامل اجتماعی

از میان عوامل اجتماعی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تحول خانواده: ما امروز بر فرازی از تاریخ ایستاده‌ایم که انسان از گذرگاه‌های تاریخی مهمی عبور کرده است. گذر از زندگی صیادی به زندگی کشاورزی، گذر از زندگی کشاورزی به زندگی مدرن و صنعتی و گذر از زندگی مدرن به زندگی پست مدرن و عصر ارتباطات و رایانه‌ها. این تحولات؛

بدین صورت که در خانواده گسترده همه اعضای یک خانواده یعنی پدر بزرگ، مادر بزرگ، والدین و فرزندان حتی بعد از ازدواج در کنار هم زندگی می‌کردند، اما در خانواده هسته‌ای فقط والدین با فرزندان آن هم حداکثر دو فرزند و تا زمانی که ازدواج نکرده‌اند با هم زیر یک سقف زندگی می‌کنند و به محض تشکیل زندگی مشترک از هم دیگر جدا می‌شوند. ب- تغییرات کیفی: تغییرات کیفی مبتنی بر شکستن ساختار قدرت در خانواده است. بدین صورت که در خانواده گسترده ساختار قدرت عمودی و سلسله مراتبی بوده اما در اینجا ساختار قدرت افقی است و همه افراد تلاش می‌کنند که در قدرت خانوادگی سهیم باشند و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند. بنابراین این تغییر و تحول خانواده در دو بعد کمی و کیفی تأثیر بسزایی در گرایش به ازدواج دارد، به عنوان مثال در خانواده گسترده که متعلق به دوران کشاورزی است؛ برای ازدواج شرایطی همچون پیدا کردن شغل و مسکن مناسب مطرح نبوده زیرا فرزندان همراه با پدر مشغول کشاورزی و دامداری می‌شدند، و افراد بعد از ازدواج نیز در خانه پدر ساکن بودند؛ یعنی به نوعی پدر مکانی رواج داشته است. اما در خانواده هسته‌ای دیگر چنین چیزی جاری نیست. والدین هر کدام در جایی مشغول به کارند و فرزندان نیز باید به کسب تخصص لازم برای یافتن شغل مناسب بپردازند و بعد از متأهل شدن باید سرپناه جدیدی را برای خود جست‌وجو کنند. به عبارت دیگر نوعی گسترش نومیکانی رواج پیدا کرد. بنابراین این گذر و تحول خانواده باعث شده که جوانان در دست‌یابی به استقلال اقتصادی دچار مشکل شوند

در خانواده گسترده ساختار قدرت عمودی و سلسله مراتبی بوده اما در خانواده هسته‌ای ساختار قدرت افقی است و همه افراد تلاش می‌کنند که در قدرت خانوادگی سهیم باشند و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند

ساختارهای نهادهای اجتماعی را دچار دگرگونی و تغییر و تحول نموده است. در این میان نهاد خانواده نیز از این امر مستثنی نبوده و هم‌پای سایر نهادها دچار تغییر و تحول شده است. از جمله تغییرات اساسی که در خانواده رخ داده است می‌توان به گذر از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای اشاره کرد. این گذر باعث دو تغییر اساسی در این نهاد شده است که عبارتند از: الف- تغییرات کمی: تغییرات کمی مبتنی بر کاهش تعداد اعضای خانواده و فرزندآوری است،

کردند (خامنه‌ای، ۱۳۷۹: ۱۶۷). از سوی دیگر؛ اگرچه مسائل اقتصادی مانند نحوه امرار معاش و گذران زندگی و داشتن مسکن برای شروع یک زندگی؛ مهم است اما این عوامل باعث ایجاد موانع مهمتر و بزرگتر و در عین حال غیر ضروری و کم اهمیت می‌شود، به طور مثال؛ مسائلی همچون ادامه تحصیل، میزان مهریه، میزان و نوع جهیزیه، عدم وجود روحیه قناعت اکنون به صورت پدیده‌های بازدارنده ازدواج در پشت مشکلات اقتصادی قرار دارند و

و در نتیجه گرایش به ازدواج و تشکیل خانواده کاهش پیدا کند.

از سوی دیگر با تحول خانواده از حالت گسترده به هسته‌ای؛ الگوهای ازدواج نیز تغییر کرد و افراد دیگر حاضر نبودند به ازدواج‌هایی که قبلاً والدین برای آنها ترتیب می‌دادند تن بدهند. زیرا برای افراد عشق و دوست داشتن، آشنایی پیش از ازدواج و شناخت کافی از یکدیگر و سایر معیارهای فردی اهمیت فراوانی یافته است. اعزازی در این رابطه بیان می‌دارد: "در خانواده گسترده؛ همسر گزینی از طریق مبادله دختر و پسر؛ پیوند دو خانواده را به وجود می‌آورد، به همین سبب همسر گزینی در اختیار خانواده بود نه در اختیار فرد. با پیدایش نظام جدید (خانواده هسته‌ای) همسر گزینی از اختیارات خانواده خارج شد و اختیاری - فردی شد و همسر گزینی آزاد پدید آمد. در همسر گزینی آزاد؛ محرک انتخاب همسر عشق رمانتیک است. با انتخاب همسر به دلیل عاشق بودن در نظام خانوادگی این توقع در کار است که زن و شوهر تعهدی دارند تا عاشق یکدیگر شوند" (اعزازی، ۱۳۸۵: ۱۶۸).

۲ - گسترش شهرنشینی: هم زمان با ورود به دنیای صنعتی و احداث کارخانه‌ها؛ افراد برای دست‌یابی به درآمد و رفاه بیشتر و همچنین برخورداری از امکاناتی که در شهرها تمرکز یافته بود به مهاجرت از روستاها به شهرها پرداختند. از سوی دیگر رشد شهرنشینی؛ مصرف‌گرایی را با خود به همراه آورد؛ زیرا کارخانه‌ها با مازاد مصرف روبه‌رو شدند و تبلیغات بازاریابی را بر مبنای روانشناسی افراد به راه انداختند و خود به خود جامعه و به تبع آن خانواده را به سمت مصرف‌گرایی سوق دادند، در

این باره نویسنده‌ایی در دهه ۱۳۵۰ ه. ش بیان می‌دارد "روز به روز شکایت‌های زنان از محرومیت‌های مادی بیشتر به گوش می‌رسد، علت این شکایت‌ها پایین آمدن درآمد خانواده نیست بلکه ناشی از خصوصیات جامعه مصرفی است. جامعه‌ای که همه ارزش‌ها و تمتعات مادی را طلب می‌کند؛ مصرف زده است. امروز جامعه ما مصرف‌گسترش بی‌امانی را آغاز کرده است، مسابقه‌ای تا دم مرگ و تنها برای توفیق‌های مادی، شرکت ناگزیر خانواده‌ها در این مسابقه افراد را بسیار مشوش و فرسوده می‌سازد، و آنان را از توجه به ارزش‌های معنوی باز می‌دارد. عواطف را بی‌رنگ تر می‌سازد و به همبستگی‌ها جنبه مادی می‌بخشد" (فرخجسته ۱۳۸۲: ۸۴-۸۳). بنابراین در خانواده‌ها نمایشنامه‌هایی با این محتوا که مال من از مال تو بهتر است به وجود آمد و عملاً خانواده‌ها وارد رقابت بی‌پایان مصرف‌گرایی شدند. این عامل باعث افزایش هزینه‌های جانبی ازدواج همچون برگزاری جشن عروسی، تهیه جهیزیه گرانبها و سایر موارد دیگر شد که این عامل نیز باعث کاهش تشکیل خانواده شد.

۳ - گسترش روابط آزاد بین دختر و پسر: امروزه ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که برخورد و تماس بین دختر و پسر امری اجتناب‌ناپذیر و عملاً جدا کردن این دو جنس از یکدیگر غیر ممکن است. اما خارج از روابط اضطرابی یا اجتناب‌ناپذیر، نوع دیگری از روابط بین دختران و پسران وجود دارد که از آن می‌توان به عنوان روابط دوستانه بین دو جنس یاد کرد. میزان فراگیری این نوع روابط بر اساس تحقیقی که در این زمینه صورت گرفته است بیانگر آن است که"

۶۳/۱٪ پسران و ۷۰٪ دختران خود تجربه رابطه با جنس مخالف را داشته‌اند، این افراد کنجکاوی و ویژگی‌های طبیعی انسان را به عنوان مهمترین دلایل برای برقراری رابطه مطرح کرده‌اند. این افراد رابطه خود را از نوع رابطه دوستانه رسمی و بسیار نزدیک بیان نموده‌اند. همچنین این افراد سطح رابطه را بیشتر کلامی و یا هر نوع رابطه‌ای مشروط به اینکه به رابطه جنسی ختم نشود، ترجیح می‌دهند. و از میان ۲۹/۱٪ از پسرانی که رابطه نداشته‌اند، ۴۶/۷٪ آنها مهمترین علت را پیدا نکردن فرد مناسب مطرح نموده‌اند، همچنین از میان ۳۰٪ از دخترانی که رابطه نداشته‌اند، ۶۲/۵٪ از آنها نیز مهمترین علت را پیدا نکردن فرد مناسب ذکر کرده‌اند" (طاهرپور، باغلی، حسینی، ۱۳۸۶: ۲۲۲).

آنچه در این میان مهم است این است که رابطه دوستانه بین دختر و پسر رابطه سالمی باشد و به نحوی نباشد که باعث آسیب روانی، بی‌اعتمادی نسبت به جنس مخالف، شکستن هنجارهای اجتماعی، فرهنگی و دینی و ایجاد مشکل برای خانواده‌ها شود. و از سوی دیگر روابط ناسالم بین این دو جنس نیز می‌تواند بسیار مخرب و ویرانگر و عاملی برای ایجاد نابهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی و به وجود آمدن خانواده‌های نابهنجار باشد.

با توجه به اینکه وجود رابطه بین دختران و پسران امری اجتناب‌ناپذیر است؛ اما آیا افرادی که رابطه فراتر از روابط اجتناب‌ناپذیر دارند (رابطه دوستانه) این رابطه را سالم ارزیابی می‌کنند یا ناسالم؟ تحقیق انجام شده نشان می‌دهد "که ۸۱٪ پسران و ۶۴٪ دختران روابط بین دو جنس را در جامعه

ناسالم ارزیابی می‌کنند، و در این مورد خود فرد را مسئول اصلی می‌دانند و آموزش مطلوب جنسی و ایجاد امکانات برای ازدواج را راه حل این معضل می‌دانند" (همان).

از موارد دیگری که می‌تواند رابطه سالم بین دو جنس را افزایش دهد می‌توان به اطلاع خانواده‌ها از این روابط و دادن راهنمایی‌های لازم به آنان و نظارت بر آنها، پرهیز از هر نوع رابطه جنسی قبل از شناخت کافی نسبت به یکدیگر و اقدام رسمی برای ازدواج اشاره کرد، زیرا در صورتی که غیر از آن چیزی که بیان شد اتفاق بیافتد، ممکن است بعد از آشنایی عمیق‌تر به این نتیجه برسند که مناسب هم دیگر نیستند و به علت رابطه جنسی مجبور به ازدواج شوند و در نتیجه یک خانواده آسیب‌پذیر را به وجود آورند. همچنین در این رابطه می‌توان به رعایت ارزش‌های اخلاق جنسی اسلامی از قبیل حجاب و عفاف، خویش‌نظمی، غیرت و حفظ کرامت انسانی، شناخت صحیح جنس مخالف از یکدیگر؛ به این معنی که از خیال پردازی و الهه ساختن از یکدیگر یا پایین بردن شأن انسانی یکدیگر به عنوان موجودی صرفاً برای کام‌گیری جنسی بپرهیزند، تأکید بر کنترل درونی از طریق پایبندی به دین به جای اعمال محدودیت‌های صرف، تشکیل جلسات هفتگی خانوادگی به این صورت که افراد آزادانه و بدون دغدغه خاطر به بیان مسائل خود بپردازند و کمک والدین در حل مشکلات فرزندان، برخورد مبتنی بر شناخت و احترام متقابل و موارد دیگر اشاره کرد.

اما علاوه بر آنچه ذکر شد مشکلی که امروزه در ایجاد روابط سالم بین دختر و پسر وجود دارد تغییر کردن ارزش‌ها

و نگرش‌ها نسبت به سطح و انتظاراتی که افراد نسبت به این روابط دارند؛ مثلاً در دو دهه قبل، تنها انگیزه دختران از دوستی با جنس مخالف را میل به ازدواج و رسیدن به ثبات و پایداری در عشق و تشکیل خانواده رقم می‌زد اما امروزه علاوه بر مسئله ازدواج و آشنایی با روحیات جنس مخالف، تفریح و وقت‌گذرانی و ارضاء نیازهای جنسی از دیگر انگیزه‌های این روابط است. بر اساس تحقیقی که توسط سازمان ملی جوانان در این زمینه از پسران و دختران مجرد بین ۱۸ تا ۲۹ شهر تهران که مراتبی از رفتار جنسی خفیف تا کامل را تجربه کرده بودند صورت گرفته است، نتایج به دست آمده حاکی از آن است که ۳۹/۵ درصد پاسخگویان انگیزه خود را از دوستی با جنس مخالف در وهله اول ارضاء نیازهای جنسی خود و ۳۹/۱ درصد در وهله دوم آشنایی با روحیات جنس مخالف ذکر کرده‌اند، ۲۸/۶ درصد در وهله سوم تفریح و وقت‌گذرانی و ۳۷/۹ درصد در آخر آشنایی برای ازدواج. در رابطه با مطلع بودن والدین از دوستی فرزندانشان با جنس مخالف ۶۰/۸ درصد از پاسخگویان بیان کرده‌اند که والدینشان از روابطشان با جنس مخالف مطلع‌اند و در این میان پسران بیش از دختران روابط خود را با والدینشان در میان می‌گذارند. هر چند که ۵۴/۶ درصد دختران روابط خود را با والدینشان در ارتباط می‌گذارند، اما این درصد در میان پسران بیش از دختران است. مطلع بودن والدین از دوستی فرزندانشان با جنس مخالف نشانه‌ای بر پذیرش تغییرات ارزشی در جامعه از سوی والدین است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۱). بنابراین

گسترش روابط آزاد بین دختر و پسر از جمله عوامل دیگری است که باعث کاهش گرایش به ازدواج شده است.

ج - عوامل فردی

بین عوامل اجتماعی و فردی یک درهم تنیدگی و تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد، منفک کردن آنها برای مطالعه دقیق تر موضوع است. از جمله عوامل فردی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - بالا رفتن سطح تحصیلات: همزمان با دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و گذر از دنیای سنتی به دنیای مدرن و به تبع آن افزایش آموزش‌های عمومی و نیاز به کسب تخصص در یک حرفه خاص با توجه به بازار به شدت رقابتی کار به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. و به دلیل زمان بر بودن تحصیلات عالی برای کسب تخصص و در مقابل؛ عدم ظرفیت کافی برای اشتغال در رشته مورد نظر و نیاز به کسب مدارج علمی بالاتر و پی‌آیند اینها؛ استقلال مالی دیررس؛ باعث افزایش سن ازدواج و عدم گرایش به تشکیل خانواده شده است.

۲ - تغییر معیارهای ازدواج: در گذشته خانواده‌ها بر اساس شناختی که از یکدیگر داشتند؛ متناسب با وضعیت اجتماعی و اقتصادی خود برای فرزندانسان همسر انتخاب می‌کردند و در این میان فرزندان؛ انتخاب خانواده را می‌پذیرفتند؛ به عبارت دیگر در گذشته ازدواج‌ها والد محور بوده؛ اما در دنیای امروز معیارهای ازدواج تغییر کرده است و ازدواج‌ها ماهیتی فرد محور پیدا کرده‌اند، یا در حالت اعتدالی ماهیتی والد محور و فرد محور. به هر حال امروزه جوانان قبل از هر چیز دنبال یافتن یک هم فکر هستند که از جهات مختلف با

او هم سطح باشد. بر این اساس؛ تمایل به ازدواج بر اساس عشق، انتخاب آزاد همسر، بالا رفتن توقعات و سختگیری در انتخاب همسر، در پی مطرح شدن فردیت اهمیت پیدا کرده، که گاهی اوقات بر اثر عدم پیدا کردن فرد مناسب منجر به کاهش میزان اقدام به ازدواج می‌شود.

د- عوامل اقتصادی

از میان عوامل اقتصادی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- عدم استقلال اقتصادی: یکی از مشکلاتی که جوانان با آن رو به رو هستند؛ مسئله استقلال اقتصادی است. محمد رضوی در این رابطه بیان می‌دارد که جوانان امروز نسبت به پیشینیان شان در شروع قرن بیستم به مراتب کمتر بالغ هستند و آشکارا از آنها در تمام زمینه‌ها از قبیل رفتار جنسی، دوست داشتن، ازدواج، آموزش و کار بدنی، متفاوت هستند. جوان های امروزی از لحاظ جنسی زودتر بالغ می‌شوند و از لحاظ اقتصادی در زمان طولانی تری به بلوغ می‌رسند (رضوی، ۲۰۰۵). از سوی دیگر؛ فاصله افتادن بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی خود زمینه‌ساز انحرافات و بزه‌کاری های اجتماعی است.

۲- بیکاری: ورود زنان به بازار کار جهت کسب استقلال مالی، ورود تکنولوژی و کاهش اقتصاد مبتنی بر کشاورزی، مهاجرت بی رویه مردان به شهرها به دلیل جاذبه های شهری و بیکاری در روستا، رکود اقتصادی تغییر در نیروی کار و فعالیت های شغلی، افزایش جمعیت به ویژه جمعیت جوان جامعه و ... افزایش میزان بیکاری را سبب شده؛ که این نیز بر کاهش ازدواج تأثیر گذارده است.

۳- هزینه‌های بالای زندگی: بیش

از ۷۰ درصد زنان و ۳۳ درصد مردان باور دارند که زنان باید در تأمین مخارج خانواده مشارکت داشته باشند. اکثراً دلیل این ضرورت را مشکلات اقتصادی و هزینه های بالای زندگی می‌دانند و تنها درصد ناچیزی به دلایلی چون رشد شخصیت، استقلال مالی و مشارکت زنان در امور اقتصادی اشاره

مشکلات راهکارهایی را در چهار محور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تربیتی برای گسترش فرهنگ ازدواج آسان و به تبع آن افزایش ازدواج ارائه داد.

الف- محور فرهنگی: در بعد فرهنگی از دو مشکل گسترش اخلاق نوین جنسی و گسترش فرهنگ تکاثر و تفاخر نام برده شد که متناسب با هر کدام راهکارهای

عدم ارضاء غریزه جنسی بر اثر عوامل و محدودیت‌های بیرونی و عوامل اخلاقی و مذهبی، به ویژه اخلاق جنسی کهن باعث به وجود آمدن بیماری‌های روحی و روانی همچون هیستریک و عقده‌های روانی می‌شود

دارند (فرخجسته، ۱۳۸۲: ۱۴۰).

- ۱- نشر و گسترش اخلاق جنسی اسلامی: بر این اساس ما باید در مقابل گسترش گفتمان جنسی غرب، گفتمان اخلاق جنسی اسلامی را نشر و گسترش دهیم و بر این اساس به حل معضلات و مسائل جنسی بپردازیم.
- ۲- مبارزه با فرهنگ تکاثر و تفاخر: در این رابطه می‌توان به راهکارهای زیر اشاره کرد:
 - ایجاد بینش در خانواده به منظور سهل گرفتن مسائلی نظیر مهریه و خواسته‌های اولیه آنها و پشتیبانی از جوانان. آنچه که امروزه رواج پیدا کرده این است که میزان مهریه نشان دهنده ارزش یک دختر است درحالی که ارزش انسان به کسب کمالات و ارزش های اخلاقی است نه چیز دیگر. به طور کلی
- ۳- صورت معامله به خود گرفتن ازدواج: وقتی ازدواج به قصد معامله صورت می‌گیرد طبیعتاً میزان مهریه جهیزیه، خرید برای عروس و ... همه با ویژگی فردی و خانوادگی دختر و همچنین در رابطه با یکدیگر سنجیده می‌شوند و شبیه ازدواج های خرید و فروشی می‌شود که در آن دختر به فروش خود به قیمت بالا مفتخر است و مرد به خرید دختر همراه جهیزیه زیاد افتخار می‌کند (اعزازی، ۱۳۸۵: ۱۰۳).
- ۴- راهکارهای افزایش ازدواج و گسترش فرهنگ ازدواج آسان
 - با توجه به مشخص شدن عواملی که باعث کاهش گرایش به جوانان به ازدواج می‌شود؛ اکنون می‌توان متناسب با

در رابطه با ازدواج فرزندان؛ خانواده‌ها باید به درک این موضوع برسند که ایجاد مانع برای ازدواج جوانان در یک فرایند بلند مدت جوانان را از لحاظ اخلاقی و روحی روانی دچار مشکل خواهد کرد و تبعات آن دامن گیر والدین نیز خواهد شد. بر این اساس لازم است کلاس‌هایی را در مساجد برای والدین در تبیین ضرورت ازدواج به موقع فرزندان و عوارض روحی روانی و اخلاقی عدم ازدواج به موقع جوانان، توسط ائمه جماعات و سایر افراد متخصص در این

زندگی واقعی مردم را باید آنچنان که هست نشان دهند نه چیزی بالاتر از آن که رسیدن به آن آرزوی اکثر جوانان دختر و پسر باشد.

- فعال سازی رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما در خصوص گسترش اندیشه سهل گیری در امر ازدواج در سطح جامعه، از طریق مصاحبه با خانواده‌هایی که در امر ازدواج مبنا را بر مدارا و سهل گرفتن جوانان قرار داده‌اند. البته در این زمینه همچنان که قبلاً بیان شد؛ لازم است صدا و سیما در برنامه‌های خود سطح زندگی

توجه به اینکه تحول خانواده و گسترش شهرنشینی و به تبع آن تغییر معیارهای ازدواج، نتیجه تغییر و تحولات کلان اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... است، بنابراین از این لحاظ گریزی از اینها نیست. بر این اساس راهکاری که در این حیطه می‌توان ارائه داد مدیریت تحولات اجتماعی است که آن هم تابع شناخت دقیق این تحولات است تا جامعه کمترین آسیب را در این تغییر و تحول متحمل شود.

۲- نهادینه کردن مبانی اخلاق جنسی اسلامی: نهادینه کردن عفاف، حجاب، خویشستن داری و غیرت در جوانان و نوجوانان و در کنار آن فراهم کردن شرایط ارضاء شرافتمندانه نیاز جنسی می‌تواند از گسترش روابط نابهنجار و ناسالم بین دو جنس جلوگیری کند.

ج- محور فردی: در محور فردی به بالا رفتن سطح تحصیلات و تغییر معیارهای ازدواج اشاره شد، که در این رابطه راهکارهای زیر ارائه می‌شود:

۱- کسب استقلال مالی در طول تحصیل: با توجه به اینکه عدم استقلال مالی از عمده‌ترین مشکلات دانش‌آموختگان ما در نظام آموزش رسمی است، لازم است در این زمینه از دوره ابتدایی برنامه‌هایی را برای افزایش خلاقیت دانش‌آموزان داشته باشیم. به طور مثال دانش‌آموزان در دوره دبستان با ساختن کاردستی، طراحی و نقاشی و ایجاد بازارچه و فروش آن به مردم عملاً زمینه نحوه پول در آوردن، و همچنین در بطن جامعه بودن را برای کودکان فراهم کنیم، تا دانش‌آموزان در طی یک فرایند؛ توانایی ایستادن بر روی پای خود را در طول تحصیلات عمومی کسب کنند. در دوره راهنمایی و دبیرستان نیز لازم

نهادینه کردن عفاف، حجاب، خویشستن داری و غیرت در جوانان و نوجوانان و در کنار آن فراهم کردن شرایط ارضاء شرافتمندانه نیاز جنسی می‌تواند از گسترش روابط نابهنجار و ناسالم بین دو جنس جلوگیری کند

مردم و مشکلاتی که اکثریت افراد جامعه با آن روبرو هستند را به نمایش بکشد نه زندگی یک حداقل مرفه را، با هنر پیشه‌های در قالب‌های گریم شده که هر دختر و پسری آرزوی آن را دارد، به زبان دقیق تر صدا و سیما از ایجاد انتظارات کاذب در مخاطبان بپرهیزد.

ب- محور اجتماعی: در بعد اجتماعی از سه مشکل تحول خانواده، گسترش شهرنشینی و گسترش روابط آزاد بین دختر و پسر اشاره شد، که در این رابطه راهکارهای زیر ارائه می‌شود:

۱- مدیریت تحولات اجتماعی: با

زمینه برگزار کنند.

- ایجاد بینش در جوانان در جهت کاهش تقاضاهای مادی، با توجه به اینکه امروزه جوانان تحت تأثیر تبلیغات، سینما و تلویزیون با یک زندگی ایده‌آل و آرمانی از لحاظ مادی هستند؛ به طبع پایین آوردن سطح چنین توقعاتی که در آنان از طریق رسانه‌ها ایجاد شده است کار دشواری خواهد بود. بنابراین برای موفقیت در این زمینه نهادها و رسانه‌های مختلف باید ایجاد یک بینش مبتنی بر ساده زیستی را ترویج کنند، به این صورت که برنامه‌های تلویزیونی؛

است دانش آموزان را با مفاهیم اقتصادی، همچون سود و زیان، حسابرسی و کار آفرینی، بازار بورس و ... آشنا کنیم و به ویژه در دوره دبیرستان زمینه را برای انجام یک کار پاره وقت متناسب با توانایی‌های دانش‌آموزان در خارج از خانه با همکاری خانه و مدرسه را فراهم کنیم و در طول تحصیلات عالی نیز با قرار دادن دروس عمومی مربوط به اشتغال‌زایی، تجارت الکترونیک، رشته‌های کسب و کار و ... توانایی دانش‌جویان را در زمینه ایجاد اشتغال متناسب با رشته خود فراهم کنیم.

۲- مشاوره ازدواج: با توجه به مطرح شدن فردیت و علائق فردی در امر گزینش همسر؛ لازم است دفاتر مشاوره رایگان در خصوص ضابطه شناسی همسر و معیارهای زندگی متعادل و ساز و کارهای یک انتخاب موفق در سطح کلان و ملی ایجاد شود. با توجه به اینکه انتخاب درست و مناسب یکی از بسترهای بسیار مهم ایجاد زندگی مشترک سالم و بهنجار است و در صورت انتخاب درست است که زوجین توانایی تحمل مشکلات متعددی که ممکن است در زندگی مشترک پیش بیاید را خواهند داشت، بنابراین لازم است در این زمینه در بهزیستی، مدارس و مساجد و سایر مکان‌های ممکن مراکزی جهت مشاوره پیش از ازدواج و پس از ازدواج دایر گردد.

د- منجر اقتصادی

در بعد اقتصادی از چهار عامل: عدم استقلال اقتصادی، بیکاری، هزینه‌های بالای زندگی و صورت معامله به خود گرفتن ازدواج نام برده شد که در این رابطه راهکارهای زیر ارائه می‌شود:

۱- تفکیک بین ازدواج و استقلال

مالی: آنچه که امروزه در جامعه ما مورد تأکید است این است که ازدواج به معنای استقلال اقتصادی لحاظ می‌شود. بدین معنی که فردی که به خواستگاری می‌رود پیش فرض اینست که وی باید حداقل دارای یک شغل با درآمد مناسب، و حداکثر اینکه دارای خانه و ماشین نیز باشد. امروزه در خوشبینانه‌ترین حالت استقلال اقتصادی نسبی برای جوانان در سن ۲۰ سالگی به وقوع می‌پیوندد. از سوی دیگر بالا رفتن سن ازدواج اثرات منفی بر بهداشت روانی افراد دارد. در

با توجه به اینکه انتخاب درست و مناسب یکی از بسترهای بسیار مهم ایجاد زندگی مشترک سالم و بهنجار است، لازم است در این زمینه در بهزیستی، مدارس و مساجد و سایر مکان‌های ممکن، مراکزی جهت مشاوره پیش از ازدواج و پس از ازدواج دایر گردد

از کل گروه نمونه مردان مجرد در اضطراب متوسط به سر می‌برند و ۵۲ درصد از زنان مجرد همین نوع اضطراب را داشته‌اند، ۳۲ درصد از زنان و ۳۸ درصد از مردان مجرد دارای اضطراب عمیق و شدید هستند و ۱۶ درصد از زنان نیازمند درمان‌های روانشناختی و کمک‌های حمایتی می‌باشند؛ ۲- ایجاد موانع و سدهای مهارکننده در راستای رشد و تعالی روحی و روانی؛ ۳- بروز و ظهور اختلالات و بیماری‌های روانی و اجتماعی مانند افسردگی، اضطراب، اعتیاد و بزهکاری اجتماعی؛ ۴- به هدر رفتن انرژی عظیم افراد که مانع از رشد و اعتلای اجتماعی می‌شود؛ ۵- افزایش فاصله سنی والدین و فرزندان و ایجاد اختلاف در سلاقی و دیدگاه‌های دو نسل در درون خانواده (آستین افشان، ۱۳۸۰: ۹-۸).

بنابراین؛ بر اساس تحقیقات صورت گرفته اگر خانواده‌ها با توافق همدیگر توجه خود را متمرکز بر سایر شرایط لازم برای ازدواج از قبیل بلوغ عقلی و اجتماعی، توانایی مسئولیت‌پذیری و ثبات شخصیتی و شناخت کافی طرفین از یکدیگر مبتنی بکنند و خانواده دو طرف؛ دختر و پسر را از لحاظ شرعی و قانونی به عقد هم در بیاورند و زمان بیشتری را برای کسب استقلال اقتصادی و رفتن به زیر یک سقف را به آنها بدهند، بدین طریق سلامت اخلاقی، روحی و روانی فرزندان شان را تأمین کرده‌اند.

۲- فراهم کردن بسترهای مناسب برای سرمایه‌گذاری: در رابطه با اشتغال و رفع بیکاری دولت باید تلاش کند که زمینه مناسب برای ایجاد سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف را ایجاد کند و در این زمینه از امکانات بخشش خصوصی

این زمینه نتایج تحقیقات حاکی از آن است که بالا رفتن سن ازدواج می‌تواند منجر به عوارض روانی زیر گردد:

۱- تخریب و تهدید بهداشت روانی؛ تحقیق آماری نشان می‌دهد ۴۸ درصد

نیز بهره بگیرد.

۳- جلوگیری از رشد نابهنجار و بی رویه قیمت مسکن: در خصوص مسکن به عنوان یک مشکل مهم دیگر که مقدار زیادی از درآمد خانواده‌ها را به خود اختصاص می‌دهد باید اذعان کرد که در این زمینه دولت می‌بایستی سازوکارهای لازم برای سروسامان دادن به بازار مسکن را تدوین کند؛ و در این زمینه با توجه به نرخ ازدواج در جامعه و مقدار نیاز به مسکن در آینده برنامه‌ایی را برای ساخت مسکن مورد نیاز با توجه به سهم بخش خصوصی در این زمینه به مرحله اجرا بگذارد و بدین طریق از رشد نابهنجار و بی‌رویه قیمت مسکن به عنوان یک نیاز بسیار ضروری و ابتدایی جلوگیری کند.

۴- ساخت آپارتمان‌ها در شهرهای مختلف توسط خیرین، سازمان اوقاف و سایر بخش‌هایی دیگر که توانایی کمک در این زمینه را دارند با همکاری دولت براساس الگوی خوابگاه‌های متاهلی دانشجویی و اداره آن بر اساس همان سازوکارها با کمترین مقدار اجاره بها و اگذاری آن به قشر آسیب‌پذیر در ابتدای تشکیل زندگی مشترک حداقل به مدت دو سال و حداکثر چهار سال برای اینکه زوج‌های جوانان در ابتدای زندگی به نحوی بتوانند خود را از لحاظ اقتصادی به سطح مطلوب‌تری برسانند.

۵- استفاده از آموزه‌های دینی برای تشویق افراد خیر برای مهیا کردن امکانات لازم برای شروع زندگی مشترک افراد جوان، در این زمینه امام کاظم (ع) بیان می‌دارد: «ثلاثة يستظلون بظل عرش الله يوم القيامة يوم لا ظل الا ظله رجل زوج اخاه المسلم أو خدمه، أو تم سرًا» سه طایفه در روز قیامت در سایه

عرش خدا قرار دارند، روزی که سایه جز سایه او نیست، کسی که وسایل تزویج برادر مسلمانش را فراهم سازد و کسی که هنگام نیاز به خدمت، خدمت‌کننده‌ایی برای او فراهم کند و کسی که اسرار برادر مسلمانش را پنهان کند (الحرعاملی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱۴: ۲۷).

۶- ایجاد بینش معنوی و الهی در نسل جوانان برای توکل به خدا و وعده الهی اشاره به وعده خداوند مبنی بر غنی ساختن بندگان همچنانکه در سوره نور آیه ۳۹ بیان شده است: «وَأَنْكُحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند



رویکرد اسلام به

غریزه جنسی رویکردی

عبادی- الهی است.

این گونه نگاه به غریزه

جنسی، از تبدیل شدن

ازدواج به صورت

یک معامله جلوگیری

خواهد کرد

گشایش‌دهنده و آگاه است. متأسفانه امروزه رویکرد دینی ما بیشتر مبتنی بر بخش‌های مهارکننده و تنبیهی دین است و در معرفی بخش‌های جذاب دین و همچنین آسان‌سازی‌های دین غفلت ورزیده‌ایم.

۷- مقدس دانستن ازدواج: همچنانکه در قسمت اول مقاله اشاره شد رویکرد اسلام به غریزه جنسی رویکردی عبادی- الهی است. این گونه نگاه به غریزه جنسی، از تبدیل شدن ازدواج به صورت یک معامله جلوگیری خواهد کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله ما به بررسی اهمیت غریزه جنسی در زندگی آدمی، و پیامدهای ضعف انسان در حیطه جنسی که در اخلاق جنسی اسلامی منجر به تجویز ازدواج موقت، ازدواج با زنان برده و برداشتن حکم حرمت مباشرت با زنان در شب‌های ماه رمضان شده است؛ همچنین رویکردهای مختلف نسبت به غریزه جنسی و اتخاذ رویکرد اسلامی؛ موانع ازدواج در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، فردی و اقتصادی پرداخته شد؛ و متناسب با موانع ازدواج راهکارهایی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، فردی و اقتصادی ارائه شد.

در حیطه موانع ازدواج تحقیقات خارجی نیز به عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اشاره داشته‌اند. نگوین هو مین (Nguyen Hue Minh) به تحلیل الگوهای سن ازدواج مردان و زنان در ویتنام می‌پردازد. وی اشاره می‌کند از سال ۱۹۴۵ هنجارهای ازدواج سنتی در اثر تغییرات اقتصادی، اجتماعی و آشفتنگی‌های وقایع سیاسی رو به ضعف

منابع:

- نهاد. وی اعتقاد دارد توسعه سیستم آموزشی و افزایش کسب تحصیلات سبب به وجود آمدن ایده‌ها و نگرش‌های جدید در باره ازدواج می‌شود. از عوامل دیگر اشتغال زایی زنان در بخش‌های غیر کشاورزی و افزایش درآمدهای آنان سبب استقلال اقتصادی افراد از والدین شد. این مسئله بر شیوه همسرگزینی تأثیر گذاشته و تمایل بیشتر به انتخاب آزادانه همسر آینده و اعتقاد به حقوق برابر بین زنان و مردان را در زنان ایجاد کرده است. همچنین شرایط سخت زندگی در سال‌های اخیر و مشکلات دست‌یابی به فرصت‌های شغلی در ویتنام سبب تأخیر در ازدواج شده است (نگوین، ۱۹۹۷: ۷۴-۴۹).
- از سوی دیگر آنچه در جامعه امروز برای افزایش ازدواج و گسترش فرهنگ ازدواج آسان علاوه بر آنچه در طول مقاله به آن اشاره شد؛ باید مورد توجه قرار گیرد این است که والدین یا موسسات اسلامی جوانان را برای ازدواج تا رسیدن به استقلال مالی حمایت کنند؛ و علاوه بر این شرایطی را فراهم کنیم که تشکیل خانواده و گرایش به ازدواج مزیت‌ها و منافع بیشتری برای جوانان نسبت به مجرد پیشه کردن داشته باشد، و لازمه این کار استفاده از مشوق‌های اجتماعی ویژه همچون اولویت دادن به افراد متاهل در استخدام‌های دولتی و غیر دولتی، کم کردن خدمت سربازی و هر راه کار دیگری که مزیت‌ها و منافع ازدواج را بر مجرد پیشه کردن افزایش دهد. دیکسون (Ruth Dixon) نیز در این رابطه بیان می‌دارد چنانچه پاداش اجتماعی برای تجرد در سن معین بیش از مجازات آن باشد یقیناً ازدواج با تأخیر صورت می‌گیرد (دیکسون، ۱۹۹۷: ۲۳۲).
- سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴. بررسی رفتارهای خطر ساز جوانان با تأکید بر روابط جنسی آزاد (مطالعه موردی شهر تهران).
- صدر، حسن. ۱۳۵۳. حقوق زن در اسلام و اروپا. انتشارات جاویدان. تهران.
- طاهرپور، محمد شریف، باغلی حسین، حسینی سید معاد. ۱۳۸۶. بررسی نگرش و عملکرد دانشجویان در مورد رابطه با جنس مخالف. خلاصه مقالات سومین کنفرانس سراسری خانواده و سلامت جنسی، انتشارات دانشگاه شاهد. تهران.
- غزالی، محمد. کمیای سعادت. ج ۲. مرکز انتشارات علمی فرهنگی. تهران. ۱۳۶۱.
- فرخجسته، هوشنگ. ۱۳۸۲. خانواده. انتشارات مرکز فرهنگی - بین‌المللی. تهران.
- فروم، اریک. ۱۳۶۶. هنر عشق ورزیدن. ترجمه پورسلطانی. انتشارات مروارید. تهران.
- کارل، الکسیس. راه و رسم زندگی و نیایش. ترجمه پرویز دبیری. (بی تا).
- مطهری، مرتضی. ۱۳۶۸. مسأله حجاب. انتشارات صدرا. قم.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۲. اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب. انتشارات صدرا. قم.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۳. گفتارهای معنوی. انتشارات صدرا. قم.
- مقدس جعفری، محمد سن، یعقوبی چوبری، علی. ۱۳۸۵. تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت. نامه انجمن جمعیت شناسی ایران سال یکم، شماره ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران. ۱۳۷۶. تفسیر نمونه. ج ۲۲. انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران. ۱۳۷۶. تفسیر نمونه. ج ۳. انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- النوری الطبرسی، الحاج میرزا حسین. ۱۴۰۷. ق. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. الجزء الرابع عشر. تحقیق و نشر مؤسسه آل بیت، قم.
- Dixon, Ruth. (1971). Explaining Cross-cultural variation in Age at Marriage and proportions Never Marrying. Population studies 25 (2), p.233.
- Nguyen hue Minh. (1997). Age at first marriage in Vietnam: patters and determinants. Asia- pacific population Journal. Vol. 19(2), pp.49-74.
- Rizvi Muhammad. (2005). Marriage and morals in Islam. Islamic Education & Information publication.
- قرآن کریم. ترجمه مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه. ترجمه دشتی. ۱۳۸۴. نشر الهادی. قم.
- آریان‌پور، امیر حسین. (۱۳۵۷). فرویدیسم با اشاراتی به ادبیات و عرفان. انتشارات ابن‌سینا. تهران.
- آستین افشان، پروانه. ۱۳۸۰. بررسی تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر آن طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۵۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران. دانشکده علوم اجتماعی.
- اعزازی، شهلا. ۱۳۸۵. جامعه شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، انتشارات روشنگران. تهران.
- باقری، خسرو. ۱۳۸۰. پژوهشی برای دستیابی به فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
- باقری، خسرو. ۱۳۸۰. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. انتشارات مدرسه. تهران.
- پورامینی، محمد باقر. ۱۳۸۴. تربیت جنسی در سیره نبوی. تربیت اسلامی (ویژه تربیت جنسی) سال سوم شماره ۸ انتشارات تربیت اسلامی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- جعفری، محمد تقی. ۱۳۶۴. بررسی و نقد افکار راسل. انتشارات امیر کبیر. تهران.
- جونز ارنست، داللی یز. اصول روانکاوی. ترجمه هاشم رضی. ۱۳۴۲. انتشارات کاوه. تهران.
- الحرعاملی، محمدبن الحسین. ۱۴۰۳ ه. ق. وسائل الشیعه. کتاب نکاح. الجزء الرابع عشر. طبع فی المطبعة الاسلامیه بطهران.
- خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۸۰. دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان، ج ۶. انتشارات نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. قم.
- دورانت، ویل. تاریخ تمدن. ج ۱۰. عصر ایمان بخش اول. اوج اعتلابیزانس. ترجمه ابوطالب صارمی. ۱۳۴۲. انتشارات اقبال، تهران.
- دورانت، ویل. تاریخ تمدن. ج ۱۲. عصر ایمان. اوج مسیحیت. ترجمه ابوالقاسم طاهری. ۱۳۴۳. انتشارات اقبال، تهران.
- راسل، برتراند. ۱۳۵۲. زناشویی و اخلاق. ترجمه مهدی افشار. انتشارات کاویان. تهران.
- ساروخانی، باقر. ۱۳۷۰. دایرة المعارف علوم اجتماعی. تهران. انتشارات کیهان. تهران.